

إعرف الحق تعرف أهله

۲۹

سلسله پژوهش های اعتقادی

# نگاهی به حدیث طیر

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بسم الله الرحمن الرحیم

# سلسله پژوهش های اعتقادی

نویسنده:

علی الحسینی المیلانی

ناشر چاپی:

مرکز حقایق اسلامی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به حدیث طیر المجلد ۲۹

## مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶ -

عنوان قراردادی: حدیث‌الطیر.فارسی

عنوان و نام پدیدآور: نگاهی به حدیث طیر: اثبات امامت امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در حدیث طیر/ سیدعلی حسینی‌میلانی؛ ترجمه و ویرایش هیئت تحریریه انتشارات الحقایق.

مشخصات نشر: قم: مرکز حقایق اسلامی، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۹۵ ص.

فروست: مرکز حقایق اسلامی. سلسله پژوهش‌های اعتقادی؛ ۳۰.

شابک: ۱۵۰۰۰ ریال۳-۴۵-۵۳۴۸-۶۰۰-۹۷۸:

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: ص.ع. به انگلیسی: Ayatollah Sayyid Ali Husayni Milanin. A look at «the tradition of the bird».

یادداشت: کتابنامه: ص.[۹۱]-۹۵؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر: اثبات امامت امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در حدیث طیر.

موضوع: علی‌بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- .اثبات خلافت

موضوع: علی‌بن ابی‌طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ق -- .احادیث

موضوع: احادیث خاص (طیر)

شناسه افزوده: مرکز الحقائق الاسلامیه

رده بندی کنگره: BP۱۴۵ /ط۹ح ۵۳۰۴۱ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۰۵۳۰۱

## سرآغاز ... ص: ۷

...آخرین و کامل‌ترین دین الهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمّد مصطفی صلی اللَّه علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الهی با نبوّت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکّه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیرهٔ العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الهی در هجدهم ذی الحجّه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای منّان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دینِ مورد

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۸

پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلی اللّه علیه وآله،- با توطئه‌هایی از پیش مهیّا شده- مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیّر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس‌های شیطانی، حقایق اسلام را- که همچون آفتاب جهان‌تاب بود- پشت ابرهای سیاه شکّ و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه‌ها، حقایق اسلام و سخنان دُرَرْبار پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله، توسّط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه‌ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی‌ها، شبهه‌ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته‌اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سیّد مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علّامه حلّی، قاضی نوراللّه، میر حامد حسین، سیّد شرف‌الدین، امینی و ... همچون ستارگانی پرفروز می‌درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۹

واقعیّات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ گویی شبهات پرداخته‌اند...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رَسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت اللّه سیّد علی حسینی میلانی، می‌باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سنگ آن محقّق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظّمٌ له، آن‌ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظّمٌ له است که اینک "فارسی زبانان "را با حقایق اسلامی آشنا می‌سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیّهٔ اللّه الأعظم، حضرت ولیّ عصر، امام زمان عجل اللّه تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۱۲

## نگاهی به حدیث غدیر ... ص: ۱۲

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۱۳

الحمد للّهربّ العالمین، والصلاهٔ والسلام علی سیّدنا ونبیّنا محمّد وآله الطاهرین، ولعنهٔ اللّه علی أعدائهم أجمعین من الأوّلین والآخرین.

## پیش‌گفتار ... ص: ۱۳

احادیث بسیاری در امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام نقل شده که به آن‌ها استناد می‌کنیم. «حدیث طیر» نیز از آن احادیث است. امّا مخالفان هماره تلاش می‌کردند که این حدیث را پنهان کنند و از نقل و انتشار آن در بین مسلمانان جلوگیری نمایند، به گونه‌ای

که از این طریق به جهل بسیاری از مردم- و گاهی حق پویان- بینجامد.

نوشتاری که پیش رو دارید به بررسی این حدیث از زوایای مختلف پرداخته است.

اینک با استعانت و یاری از خداوند مهربان از جهات ذیل به بررسی این حدیث می‌پردازیم:

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۱۴

۱. راویان حدیث و اسناد آن،

۲. نگاهی به دلالت حدیث،

۳. تلاش‌هایی ناکارآمد در ردّ حدیث.

از خداوند متعال می‌خواهیم به ما توفیق دهد تا حق را محقّق سازیم و از آن پیروی کنیم.

علی حسینی میلانی

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۱۶

## بخش یکم راویان حدیث طیر و اسناد آن ... ص: ۱۶

### اشارهٔ

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۱۷

### راویان حدیث طیر ... ص: ۱۷

#### اشارهٔ

افراد فراوانی حدیث شریف طیر را نقل کرده‌اند. راویان این حدیث را می‌توان به چند گروه تقسیم کرد.

#### حدیث طیر و اصحاب ... ص: ۱۷

این حدیث شریف را صحابه نقل کرده‌اند. اینک به مواردی اشاره می‌نماییم.

امیر مؤمنان علی

علیه السلام

حدیث آن حضرت را ابن عساکر «۱» و دیگر محدّثان بزرگ نقل کرده‌اند. حاکم نیشابوری نیز در المستدرک علی الصحیحین «۲» به آن اشاره کرده است.

---

(۱). تاریخ مدینهٔ دمشق: ۴۲/ ۲۴۵ و ۴۳۲.

(۲). المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۳۰ و ۱۳۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۱۸

سعد بن أبی وقاص

حدیث او را ابونعیم اصفهانی در کتاب حلیهٔ الأولیاء آورده است. «۱»

ابوسعید خدری

حدیث او را ابن کثیر در تاریخ خود آورده و در منابع دیگر نیز آمده است. حاکم نیشابوری نیز در المستدرک علی الصحیحین به آن اشاره کرده است. «۲»

ابورافع

حدیث او را ابن کثیر آورده است. «۳»

ابوطفیل مکّی

ابن عقده، حاکم نیشابوری و عدّه‌ای دیگر این حدیث را به نقل از ابوطفیل آورده‌اند. «۴»

جابر بن عبداللَّه انصاری

حدیث او را ابن عساکر و ابن کثیر آورده‌اند. «۵»

---

(۱). حلیة الأولیاء: ۴/ ۳۵۶.

(۲). البدایة والنهایه: ۷/ ۳۵۳، المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۳۱.

(۳). همان: ۷/ ۳۵۳.

(۴). کفایة الطالب: ۳۶۸

(۵). تاریخ مدینة دمشق: ۴۲/ ۲۴۴- ۲۴۵، البدایة والنهایه: ۷/ ۳۵۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۱۹

حبشی بن جناده

حدیث او را ابن کثیر آورده است. «۱»

یعلی بن مرّه

حدیث او را خطیب بغدادی و ابن کثیر آورده‌اند. «۲»

عبداللَّه بن عبّاس

حدیث او را طبرانی آورده است. «۳»

سفینه

(خدمتکار رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله)

حدیث او را ابن عساکر آورده و حاکم نیشابوری نیز به آن اشاره کرده است. «۴»

عمرو بن عاص

وی حدیث طیر را در ضمن نامه‌ای که برای معاویهٔ بن ابی سفیان نوشته متذکّر شده است و خطیب خوارزمی آن نامه را در المناقب خویش روایت کرده است. «۵»

---

(۱). البدایة والنهایه: ۷/ ۳۵۴.

(۲). تاریخ بغداد: ۱۱/ ۳۷۶، البدایة والنهایه: ۷/ ۳۵۴.

(۳). المعجم الکبیر: ۱۰/ ۳۴۳، حدیث ۱۰۶۶۷، ر. ک: الریاض النضره: ۲/ ۱۱۴.

(۴). تاریخ مدینة دمشق: ۴۲/ ۲۵۸، المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۳۱.

(۵). المناقب، خوارزمی: ۲۰۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۲۰

انس بن مالك

صاحب اصلی داستان، انس بن مالك است. به همین دلیل همو راوی مشهور این حدیث است.

گفتنی است كه این حدیث شریف توسّط صحابه ائمه اطهار علیهم السلام «۱»

و برخی دیگر از اصحاب نیز نقل شده است، تا جایی كه ابوالشیخ اصفهانی از حافظان بزرگ اهل سنّت این حدیث را در كتاب خود از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل نموده است. «۲»

### حدیث طیر و تابعین ... ص: ۲۰

از سوی دیگر راویانی از تابعین كه این حدیث را از انس بن مالك نقل كرده‌اند، نزدیك به نود نفر هستند.

### حدیث طیر و پیشوایان مذاهب اهل سنّت ... ص: ۲۰

پیشوایان مذاهب اهل سنّت نیز به نقل این حدیث پرداخته‌اند، از جمله:

۱. ابوحنیفه، پیشوای حنفی‌ها،

۲. احمد بن حنبل، پیشوای حنبلی‌ها،

---

(۱). علل الشرائع: ۱/ ۱۶۳، الخصال: ۱/ ۵۴۸، حدیث ۳۰.

(۲). طبقات المحدّثین بإصبهان: ۳/ ۴۵۳ و ۴۵۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۲۱

۳. مالك بن انس، پیشوای مالكی‌ها،

۴. اوزاعی.

اوزاعی فقیه بزرگی است كه مذهب او در میان دیگر مذاهب اهل سنّت، مذهبی مستقل به شمار می‌رفته است. اما در دوره‌های بعد، مذاهب اهل سنّت به چهار دسته منحصر و مشهور شدند.

### حدیث طیر و حافظان بزرگ اهل سنّت ... ص: ۲۱

از جمله راویان این حدیث، عدّه زیادی از اساتید بخاری و مسلم هستند. بسیاری از راویان آن از راویان صحاح ششگانه اهل سنّت هستند.

اكنون نام مشهورترین راویان این حدیث را، از میان امامان و حافظان بزرگ در قرن های مختلف می آوریم:

۱. شعبهٔ بن حجّاج،

اهل سنّت به او در علم حدیث لقب امیر مؤمنان داده‌اند. «۱» ۲. اوزاعی، پیشوای معروف.

۳. مالك بن أنس، پیشوای مذهب مالكی.

۴. ابوحنیفه، پیشوای مذهب حنفی.

۵. احمد بن حنبل، پیشوای مذهب حنبلی.

---

(۱). ر. ك: الكاشف ذهبی: ۱/ ۴۸۵، شماره (۲۲۷۸).

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۲۲

۶. ابوعاصم نبیل، استاد بخاری.

۷. عبدالرزاق صنعانی، استاد بخاری.

۸. محمّد بن اسماعیل بخاری،

بخاری این حدیث را نه در کتاب صحیح خود، بلکه در کتاب التاریخ الکبیر روایت کرده است. «۱» متن حدیث او را به زودی ذکر خواهیم کرد.

۹. بلاذری، صاحب أنساب الأشراف.

۱۰. ابوحاتم رازی از معاصران بخاری و مسلم.

۱۱. محمّد بن عیسی ترمذی، نگارنده الصحیح.

۱۲. ابوبکر بزّار، نگارنده المسند.

۱۳. نسائی، نگارنده الصحیح.

۱۴. ابویعلی موصلی، نگارنده المسند.

۱۵. محمّد بن جریر طبری، نگارنده تاریخ و تفسیر معروف.

۱۶. ابن ابی حاتم رازی،

نویسنده تفسیر، محدّث بزرگی که اهل سنّت او را از ابدال «۲» به

---

(۱). التاریخ الکبیر: ۱/ ۳۵۷، شماره (۱۱۳۲) و ۲/ ۲، شماره (۱۴۸۸).

(۲). ابدال: به تعدادی از نیکان و پارسایان می‌گویند که هیچ گاه تعدادشان کم نمی‌شود و هر گاه کسی از آنان بمیرد خداوند متعال، دیگری را به جای او می‌گمارد. ر. ك: لسان العرب: ۱۱/ ۴۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۲۳

شمار می‌آورند. «۱» ۱۷. ابن عبد ربّه مالکی در العقد الفرید.

۱۸. ابوالحسین محاملی، صاحب الأمالی.

۱۹. ابوالعباس ابن عقده،

او در مورد حدیث طیر کتاب جداگانه‌ای نوشته است.

۲۰. مسعودی، نگارنده مروج الذهب.

۲۱. ابوالقاسم طبرانی، نویسنده المعجم الکبیر، المعجم الصغیر و المعجم الأوسط.

۲۲. ابوالشیخ اصفهانی، نگارنده کتاب طبقات المحدّثین بإصفهان.

۲۳. ابن السقا واسطی،

این حافظ بزرگ از دانشمندان قرن چهارم است که داستان او را در حدیث طیر بیان خواهیم کرد.

۲۴. ابوحفص ابن شاهین،

او در مورد حدیث طیر کتاب جداگانه‌ای دارد.

۲۵. ابوالحسن دارقطنی، صاحب کتاب العلل.

(۱). تذکرهٔ الحفّاظ: ۳/ ۸۳۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۲۴

۲۶. ابوعبداللَّه حاکم نیشابوری، صاحب المستدرک علی الصحیحین،

او درباره طرق حدیث طیر کتاب مستقلّی دارد.

۲۷. ابوبکر ابن مردویه،

او کتابی درباره طرق حدیث طیر نوشته است.

۲۸. ابونعیم اصفهانی، صاحب حلیهٔ الأولیاء و برخی کتاب‌های دیگر،

او کتابی درباره طرق حدیث طیر نوشته است.

۲۹. ابوطاهر ابن حمدان خراسانی، محدث بزرگ،

وی کتابی درباره طرق حدیث طیر نوشته است.

۳۰. ابوبکر بیهقی، مؤلّف السنن الکبری.

۳۱. ابن عبدالبرّ اندلسی، نویسنده الاستیعاب.

۳۲. خطیب بغدادی، نگارنده تاریخ بغداد.

۳۳. محی السنّهٔ بغوی، نگارنده مصابیح السنّهٔ.

۳۴. رزین عبدری، نگارنده الجمع بین الصحاح الستّه.

۳۵. ابوالقاسم علی بن حسن، معروف به ابن عساکر، نگارنده تاریخ مدینهٔ دمشق.

۳۶. ابن اثیر جزری، صاحب جامع الاصول.

۳۷. برادر ابن اثیر، مؤلّف اسد الغابه.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۲۵

۳۸. خطیب تبریزی، مؤلّف مشکاهٔ المصابیح.

۳۹. ابوالحجّاج مزّی، مؤلّف تهذیب الکمال وکتاب تحفهٔ الأشراف.

۴۰. شمس الدین ذهبی، که دارای تألیفات معروفی است.

۴۱. ابن کثیر دمشقی، صاحب تفسیر و تاریخ.

۴۲. ابوبکر هیثمی، صاحب مجمع الزوائد.

۴۳. شمس الدین ابن جزری، نگارنده کتاب‌هایی است.

۴۴. ابن حجر عسقلانی، دارای آثار، شیخ الاسلام، فقیه، محدّث و رجالی معروف.

۴۵. جلال الدین سیوطی، صاحب کتاب‌های مشهوری است.

۴۶. ابن حجر مکی، نگارنده الصواعق المحرقه.

۴۷. شاه ولی اللَّه دهلوی، محدّث هند.

### کتاب‌های مستقل درباره حدیث طیر ... ص: ۲۵

همان طور که از خلال اسامی راویان حدیث شریف فهمیدید، گروهی از مشاهیر و محدّثان بزرگ، کتاب‌های ویژه و جداگانه‌ای را

درباره طرق حدیث طیر تألیف کرده‌اند، این اشخاص عبارتند از:

۱. محمّد بن جریر طبری.

۲. ابوالعباس ابن عقده.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۲۶

۳. حاکم نیشابوری.

۴. ابوبکر ابن مردویه.

۵. ابونعیم اصفهانی.

۶. ابوطاهر ابن حمدان خراسانی.

۷. ذهبی.

ذهبی در کتاب تذکرة الحفاظ، به هنگام بیان زندگی نامه حاکم نیشابوری به این نکته اشاره می‌کند که وی کتابی درباره طرق حدیث طیر نگاشته است. «۱» ما راویان این حدیث شریف از میان صحابه را آوردیم، هم‌چنین خاطرنشان شدیم که تعداد راویانی از تابعین که این حدیث را از انس بن مالک روایت می‌کنند به تنهایی حدود نود نفر هستند. همچنان که به اسامی مشهورترین علمای علم حدیث و راویان حدیث طیر در دوره‌های مختلف اشاره کردیم. هم‌چنین به معرفی مشاهیری که در خصوص سندهای حدیث طیر، کتاب جداگانه‌ای نوشته‌اند، پرداختیم.

---

(۱). تذکرة الحفاظ: ۳/ ۱۰۴۲ و ۱۰۴۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۲۷

### حدیث طیر در کتاب‌های معتبر ... ص: ۲۷

حدیث طیر در تعدادی از صحاح، مانند صحیح ترمذی، صحیح نسائی و المستدرک علی الصحیحین آمده است. «۱» این حدیث از کتاب‌های المختارة اثر ضیاء مقدسی، الجمع بین الصحیحین و الجمع بین الصحاح السته نیز نقل شده است.

### حدیث طیر و سندهای معتبر ... ص: ۲۷

هم‌چنین این حدیث بیش از ۲۰ سند معتبر دیگر غیر از سندهای صحاح دارد که از جمله این اسناد عبارتند از:

- روایت بخاری در کتاب التاریخ الکبیر.

- روایت ابی یعلی در المسند.

- روایت ابن ابی حاتم.

ابن کثیر در این مورد گفته است: «این سند از اسناد حاکم نیشابوری بهتر است».

- روایت طبرانی در المعجم الکبیر و المعجم الأوسط.

- روایت ابن عساکر از طریق دارقطنی.

---

(۱). سنن ترمذی: ۵/ ۳۰۰، حدیث ۳۸۰۵، السنن الکبری: ۵/ ۱۰۷، حدیث ۸۳۹۷، المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۳۰- ۱۳۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۲۸

- روایت ابی نعیم اصفهانی در حلیهٔ الأولیاء.

- روایت خطیب بغدادی در تاریخ بغداد.

ما صحّت این اسناد و همچنین دیگر اسناد را در جلد چهاردهم کتاب نفحات الأزهار شرح داده‌ایم. گمان نمی‌کنم کسی با مشاهده سندهای موجود درباره این حدیث و صدور آن از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله تردید کند؛ چرا که مسلمانان در مورد این حدیث شریف، اتفاق نظر دارند.

اینک پس از بررسی سند این حدیث، به واکاوی دلالت آن می‌پردازیم.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۳۰

## بخش دوم نگاهی به دلالت حدیث طیر ... ص: ۳۰

### اشارهٔ

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۳۱

### حدیث طیر و امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام ... ص: ۳۱

بدون تردید حدیث طیر، به امامت حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام دلالت دارد و در این باره هیچ تردیدی نیست؛ چرا که در این داستان بیان می‌شود که خداوند متعال و رسول خدا صلی اللّه علیه وآله علی علیه السلام را از همه بیشتر دوست می‌دارند.

روزی پرنده‌ای را به رسول خدا صلی اللّه علیه وآله هدیه دادند تا از آن بخورند. حضرتش با غنیمت شمردن این فرصت، در صدد بیان مقام حضرت علی علیه السلام برآمدند تا شأن و جایگاه آن حضرت را نزد خدا و رسول خدا صلی اللّه علیه وآله نشان دهند؛ جایگاهی که عایشه و حفصه آرزو داشتند آن جایگاه نصیب پدرشان می‌شد.

انس بن مالک- صاحب داستان- به گمان این که این مقام، نصیب یکی از انصار خواهد شد، تلاش می‌کند تا مانع رسیدن امیر مؤمنان علی علیه السلام به این مقام شود، شاید او این مقام را برای سعد بن عباده می‌خواست.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۳۲

در برخی نقل‌های این حدیث خواهیم خواند در آن لحظه‌ای که پیامبر اکرم صلی اللّه علیه وآله از خداوند می‌خواست محبوب‌ترین خلقش را نزد او بفرستد، ابوبکر و عمر- و طبق روایتی، عثمان نیز- به در خانه رسول خدا صلی اللّه علیه وآله آمدند، اما آن حضرت به آن‌ها اجازه ورود به محضرشان را نداد.

### متن حدیث طیر ... ص: ۳۲

#### اشارهٔ

اینک برخی از نقل‌های متن حدیث طیر را بازگو می‌کنیم تا با واقع امر آشنا شویم و ببینیم که چگونه اهل سنّت در نقل این حدیث دخل و تصرّف کرده‌اند؛ به گونه‌ای که برخی آن را به طور خلاصه نقل کرده‌اند. همچنان که گروهی نیز کوشیده‌اند داستان را به گونه‌ای نقل کنند تا از اهمیّت موضوع- که به حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام اختصاص دارد- بکاهند.

#### روایت ترمذی ... ص: ۳۲

ترمذی این حدیث را در صحیح خود از انس بن مالك نقل می کند.

انس می گوید:

روزی نزد پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله پرنده‌ای (بریان شده) وجود داشت. حضرتش به درگاه خدا چنین دعا کرد:

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۳۳

اللهمّ ائتنی بأحبّ خلقك إلیك یأكل معی هذا الطیر؛

خداوندا! محبوب‌ترین خلقت را نزد من بفرست تا همراه من از این پرنده تناول نماید.

در این هنگام حضرت علی علیه السلام آمد و با پیامبر از گوشت آن پرنده میل کرد. «۱» این حدیث در صحیح ترمذی به همین اندازه آمده است. امّا همان گونه که نقل خواهیم کرد در این روایت، به نقش انس در این قضیّه و آمدن شخصی غیر از علی علیه السلام و بازگشت او از منزل رسول خدا صلی اللّه علیه وآله اشاره‌ای نشده است.

## روایت احمد بن حنبل ... ص: ۳۳

احمد بن حنبل در کتاب مناقب علی علیه السلام این حدیث را چنین نقل کرده است:

سفینه خادم رسول خدا صلی اللّه علیه وآله می گوید:

روزی زنی از انصار دو پرنده بریان را که بین دو قرص نان قرار داده بود به پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله تقدیم کرد. رسول خدا صلی اللّه علیه وآله به درگاه خدا عرض کرد:

---

(۱). صحیح ترمذی: ۶/ ۸۴، حدیث ۳۷۳۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۳۴

اللهمّ ائتنی بأحبّ خلقك إلیك وإلی رسولك؛

خدایا! محبوب‌ترین خلقت را در پیشگاه خود و من، نزد من بفرست.

و صدایش را بالا برد.

رسول خدا صلی اللّه علیه وآله پرسید: کیستی؟

پاسخ آمد: علی هستم. «۱» به متن حدیثی که احمد بن حنبل روایت کرده، توجّه نمایید و آن را با دیگر روایات مقایسه کنید. راستی عبارت «صدایش را بالا برد» با جملات قبل و بعد چه ارتباطی دارد؟!

ممکن است بگویید: شاید دیگران در متن حدیث با حذف عبارت «صدایش را بالا برد» تصرّف کرده‌اند. در واقع روایت این گونه بوده که رسول خدا صلی اللّه علیه وآله فرمودند:

«خدایا! محبوب‌ترین خلقت را در پیشگاه خود و من، نزد من بفرست و صدایش را بالا برد». به این معنا که آن هنگام که رسول خدا صلی اللّه علیه وآله از خداوند درخواست می کردند، با صدای بلند دعا کرده‌اند. فرض کنیم چنین باشد و پیامبر با صدای بلند این گونه فرموده که: «خدایا! محبوب‌ترین آفریده‌ات را نزد من بفرست» این لفظ

---

(۱). فضائل الامام علی علیه السلام: ۴۲، حدیث ۶۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۳۵

همین حدیث است و معنای آن مشکلی ندارد.

اما حقیقت این است که در سخن احمد بن حنبل تحریف وجود دارد؛ چرا که در برخی از روایات این گونه خواهیم خواند:

هنگامی که حضرت علی علیه السلام برای نخستین بار آمدند، انس او را نپذیرفت و به ایشان اجازه ورود نداد. مرتبه دوم نیز همین طور، در سومین بار، هنگامی که حضرت علی علیه السلام آمد، صدایش را بالا برد، رسول خدا صلی اللّه علیه وآله فرمودند: کیستی؟

با توجّه به این متن، معنای «صدایش را بالا برد» و تحریفی که صورت گرفته، آشکار می گردد، در غیر این صورت باید پرسید: میان این سخن رسول خدا صلی اللّه علیه وآله که: «خدایا! محبوب‌ترین خلقت را نزد من بفرست و صدایش را بالا برد» وعبارت: «کیستی؟» و سرانجام پاسخ حضرت علی علیه السلام به پیامبر صلی اللّه علیه وآله، چه ارتباطی وجود دارد؟

اگر چنین باشد، سفینه خدمتگزار در پاسخ پیامبر صلی اللّه علیه وآله نباید بگوید: علی علیه السلام پشت در است.

آن گاه رسول خدا صلی اللّه علیه وآله نیز بگوید: در را به رویش باز کن!

سفینه نیز در را باز کند تا حضرت علی علیه السلام همراه رسول خدا صلی اللّه علیه وآله از آن پرنده‌ها تناول نمایند تا غذا تمام شود.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۳۶

بنابر آن چه گذشت، تحریف در عبارات این روایت به نقل از احمد بن حنبل و بازی با الفاظ آن نیز به طور کامل واضح است.

### روایت هیثمی ... ص: ۳۶

هیثمی نیز به نقل این حدیث در مجمع الزوائد «۱»

پرداخته و این گونه روایت می کند:

انس بن مالک می گوید: من خادم رسول خدا صلی اللّه علیه وآله بودم.

روزی جوجه بریانی به آن حضرت تقدیم شد. رسول خدا صلی اللّه علیه وآله به درگاه الهی عرض کرد:

اللهمّ ائتنی بأحبّ الخلق إلیک وإلی یأکل معی من هذا الفرخ؛

خداوندا! محبوب‌ترین خلقت را در پیشگاه خود و من، نزد من بفرست تا همراه من از این جوجه بریان تناول نماید.

در این هنگام علی علیه السلام آمد و در را کوبید، انس گفت: کیستی؟

پاسخ داد: علی هستم.

انس در ادامه می گوید: گفتم: رسول خدا صلی اللّه علیه وآله کار دارند.

---

(۱). مجمع الزوائد: ۹/ ۱۲۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۳۷

در برخی از متون دیگر آمده: گفتم: پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله مشغول هستند، یعنی آن حضرت فرصت ملاقات ندارند. حال آن که رسول خدا صلی اللّه علیه وآله پیوسته دعا می کردند:

خداوندا! محبوب‌ترین خلقت را نزد من بفرست.

انس گفت: رسول خدا صلی اللّه علیه وآله کار دارند و علی علیه السلام برگشت.

رسول خدا صلی اللّه علیه وآله بار دیگر عرضه داشت:

اللهمّ ائتنی بأحب الخلق إلیک؛...

خدایا! محبوب‌ترین خلق در نزد خود و نزد من را به پیش من بفرست تا همراه من از این جوجه تناول نماید.

باز علی علیه السلام آمد و در را محکم کوبید. رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله شنید و فرمود: ای انس! کیست؟

پاسخ داد: علی است.

فرمود: اجازه بده وارد شود.

علی علیه السلام وارد شد و رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود: سه بار از درگاه خداوند متعال خواستم که محبوب‌ترین خلقش را در پیشگاه خود و من، نزد من بفرستد تا همراه من از این جوجه تناول نماید.

علی علیه السلام عرضه داشت: ای رسول خدا! من هر سه بار آمدم،

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۳۸

ولی انس مرا بازگرداند.

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به انس فرمود: ای انس! چه کسی تو را به انجام چنین کاری واداشت؟

گفت: دوست داشتم این دعوت نصیب فردی از قوم خودم شود.

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

لا یلام الرجل علی حبّ قومه؛

هیچ فردی به خاطر مهرورزی به خاندانش سرزنش نمی‌شود.

بنابراین حدیث، حضرت علی علیه السلام دو بار به خانه پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله آمدند، اما انس آن حضرت را ردّ کرد و گفت:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله مشغول هستند.

ولی بار سوم علی علیه السلام در را محکم کوبید.

در برخی دیگر از روایات آمده است:

علی علیه السلام صدایش را بالا برد، رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله صدای علی علیه السلام را شنید و به انس فرمود: در را باز کن تا علی وارد شود.

سپس رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بر انس اعتراض کرد، و با توجه به آن روایت، انس عذرخواهی کرد و گفت: دوست داشتم دعوت شما نصیب فردی از قوم خودم شود.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۳۹

### روایت ابویعلی ... ص: ۳۹

این حدیث در مسند ابی یعلی این گونه نقل شده است:

قطن بن نسیر، از جعفر بن سلیمان ضبعی، از عبداللَّه بن مثّنی، از عبداللَّه بن انس نقل می‌کند که انس می‌گوید:

روزی کبک بریانی به رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله هدیه شد، حضرتش به درگاه خدا عرضه داشت:

اللهمّ ائتنی بأحبّ خلقک إلیک یأکل معی من هذا الطعام؛

خداوندا! محبوب‌ترین خلقت را نزد من بفرست تا همراه من از این غذا تناول نماید.

در این هنگام عایشه گفت: خدایا! آن شخص پدرم باشد.

حفصه آرزو کرد و گفت: خدایا! آن شخص پدر من باشد.

انس می گوید: من نیز گفتم: خدایا! آن شخص سعد بن عباده باشد.

انس می گوید: صدای باز شدن در را شنیدم، ناگاه علی علیه السلام آمد و سلام کرد، گفتم: رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله مشغول هستند.

او بازگشت. دوباره صدای در را شنیدم، علی علیه السلام سلام کرد، رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله صدای ایشان را شنیدند، یعنی علی صدایش را

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۴۰

بالا برد «۱» و رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله صدایش را شنیدند و فرمودند: ببین چه کسی است؟

من بیرون رفتم، ناگاه علی علیه السلام آمد، نزد رسول خدا رفتم و به ایشان خبر دادم، فرمودند: به وی اجازه ورود دهید.

من اجازه دادم و وارد شد، رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمودند:

خوش آمدی، خیر مقدم. «۲» با توجّه به این متن، تفاوت‌های موجود در این حدیث با نقل هیثمی، ترمذی و احمد بن حنبل روشن می‌شود.

## روایت نسائی ... ص: ۴۰

نسائی نیز این حدیث را در خصائص امیرالمؤمنین علیه السلام نقل کرده است. «۳» ذهبی تصریح کرده که کتاب خصائص جزء سنن است. «۴» نسائی این حدیث را با سند معتبری روایت می کند. علاوه برآن، کتاب وی در السنن الکبری وارد شده است. می گویند: نسائی به هنگام نقل روایات،

(۱). هدف از نقل روایت به این شکل، تأکید بر این نکته است که این عبارات، طبق نقل احمد بن حنبل تحریف شده است.

(۲). ر. ک: تاریخ مدینهٔ دمشق: ۴۲/ ۲۴۷.

(۳). خصائص أمیرالمؤمنین علیه السلام: ۲۷، حدیث ۱۰.

(۴). ر. ک: سیر اعلام النبلاء: ۱۴/ ۱۳۳، تهذیب التهذیب: ۱/ ۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۴۱

شرط و معیاری داشته که حتی از شرط و معیار بخاری و مسلم نیز سخت‌تر بوده است. «۱» طبق این نقل انس بن مالک می گوید: روزی در حضور پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله پرنده بریانی بود، حضرتش می‌خواست از آن میل کند، از این رو به درگاه خدا عرضه داشت:

اللهمّ ائتنی بأحبّ خلقک إلیک یأکل معی من هذا الطائر؛

خداوندا! محبوب‌ترین خلقت را نزد من بفرست تا همراه من از این پرنده تناول نماید.

در این هنگام ابوبکر آمد، اما پیامبر او را نپذیرفت. آن گاه عمر آمد، حضرتش او را نیز نپذیرفت. سپس علی علیه السلام آمد، پیامبر به ایشان اجازه ورود داد. «۲» در مسند ابی یعلی با همین سند، غیر از ورود ابوبکر و عمر، سخن از آمدن عثمان نیز به میان آمده است. رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمودند:

«خداوندا! محبوب‌ترین خلقت را نزد من بفرست تا همراه من از این پرنده تناول نماید».

(۱). ر. ک: مقدمه السنن الکبری: ۱/ ۳.

(۲). خصائص امیرالمؤمنین علیه السلام: ۵۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۴۲

ابوبکر آمد، پیامبر او را نپذیرفت. عمر آمد، حضرتش او را نپذیرفت. عثمان آمد، آن بزرگوار او را نپذیرفت، سپس علی علیه السلام آمد و به ایشان اجازه ورود داد. «۱» اکنون با دقّت به تفاوت‌های موجود بین روایات توجّه کنید!

ما متون گوناگون این روایات را به این منظور آوردیم تا روشن شود که هر گاه اهل سنّت بخواهند مسأله‌ای را که به نفعشان نیست، نقل کنند چگونه با کلمات آن به بازی می‌پردازند؟

چگونه از داستان می کاهند؟

و چگونه نکات مهم و حساس یک داستان را حذف می کنند؟

نکاتی که یک پژوهشگر آزاداندیش و منصف به هنگام بررسی سنّت پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله به منظور یافتن سنّت حقیقی آن حضرت، به آن‌ها نیازمند است.

### بررسی راویان حدیث ... ص: ۴۲

همان طوری که تأکید کردیم سند نسائی معتبر و در واقع همان سند موجود در مسند ابویعلی است. ولی برخی از عالمان اهل سنّت

---

(۱). این متن از حدیث شریف طیر را ابن کثیر از ابویعلی نقل کرده است، ر. ک: البدایهٔ والنهایه: ۷/ ۳۵۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۴۳

تلاش می کنند در سند این حدیث بحث و مناقشه نمایند.

ما نیز از این بحث و بررسی روایت استقبال می کنیم؛ چرا که اگر در بحث، روش علمی دنبال شود، ما نیز آن را می‌پذیریم و حتی در صورت درست بودن استدلال، از این سند چشم پوشی می کنیم و به جای آن، به سراغ دیگر نقل‌های موجود از این واقعه تاریخی خواهیم رفت.

اما اگر نادرستی بحث و غیر منطقی بودن مناقشه‌های موجود پیرامون این سند، آشکار گردد و روشن شود که این بحث‌ها از روی تعصّب دنبال می‌شوند، چه باید کرد؟!!

برخی دیگر از عالمان اهل سنّت تلاش کرده‌اند که در اعتبار یکی از راویان این حدیث؛ یعنی سُدّی خدشه وارد سازند. حال آن که او همان اسماعیل بن عبدالرحمان و از راویان مورد اعتماد مسلم، ترمذی، نسائی، ابوداوود و ابن ماجه است.

احمد درباره وی می گوید: سدّی ثقه و قابل اعتماد است. «۱» دیگر بزرگان نیز درباره او چنین اظهار نظر می کنند، تا جایی که ابن عدی که درمورد راویان احادیث و تأیید آنان، سخت گیر است درباره اسماعیل بن عبدالرحمان می گوید: او در نقل روایت، فردی

---

(۱). الجرح والتعدیل رازی: ۲/ ۱۸۴، شماره ۶۲۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۴۴

درستکار و راستگو است. «۱» فراتر این که سدّی از مشایخ شعبهٔ بن حجّاج است. «۲» پیش‌تر گفتیم که شعبه، در زمینه دانش حدیث، امیر مؤمنان لقب گرفته است و می گویند: وی فقط از افراد ثقه و مورد اعتماد روایت نقل می کند.

از جمله افرادی که به این امر اعتراف می کند و یا چنین ادّعایی را در مورد وی دارد، ابن تیمیه است. سبکی نیز سخن او را در کتاب شفاء السقام نقل می کند. «۳» بنابراین، وقتی اسماعیل بن عبدالرحمان راوی پنج صحیح از صحاح شش گانه باشد و احمد بن حنبل،

عجلی، ابن عدی و دیگر رجال شناسان نیز او را ثقه و مورد اعتماد می‌دانند، «۴» دیگر جای بحث و مناقشه پیرامون این راوی و خدشه وارد ساختن در سند این حدیث باقی نمی‌ماند؛ حدیثی که بر فضیلت و برتری امیر مؤمنان علی علیه السلام دلالت دارد و در همین حال بیان‌گرِ نبود این فضیلت در دیگر افراد و صحابه رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله است.

---

(۱). معرفهٔ الثقات، عجلی: ۱/ ۲۲۷.

(۲). الکامل فی ضعفاء الرجال، ابن عدی: ۱/ ۲۷۸.

(۳). شفاء السقام فی زیارهٔ خیر الأنام: ۷۵.

(۴). تهذیب التهذیب: ۴/ ۲۹۷، شماره ۵۹۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۴۵

### حدیث طیر و نشانه‌های فضیلت ... ص: ۴۵

در متن این حدیث و مطالب پیرامونی آن، قراین و نشانه‌هایی وجود دارد که بر فضیلت حضرت علی علیه السلام دلالت دارد. البته به ذکر همه آن‌ها نیاز نیست؛ بلکه تنها اشاره به برخی از این قراین داخلی و خارجی کفایت می‌کند.

در برخی نقل‌ها آمده که پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

اللهمّ ائتنی بأحبّ خلقک إلیک وأوجههم عندک؛ «۱»

خدایا! محبوب‌ترین و آبرومندترین آفریده‌ات را نزد من بفرست.

در برخی نقل‌های دیگر آمده که پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

اللهمّ أدخل علی أحبّ خلقک إلیّ من الأوّلین والآخرین؛ «۲»

خداوندا! محبوب‌ترین آفریدگانت را در نزد من از میان اولین و آخرین، پیش من بفرست.

این حدیث شریف با این متن بر افضلیّت امیر مؤمنان علی علیه السلام در میان اولین و آخرین مخلوقات دلالت می‌کند. البتّه برتری آن حضرت در مورد آخرین آفریدگان پرواضح است، اما درباره این برتری نسبت به نخستین مخلوقات که شامل پیامبران و حتی پیامبران

---

(۱). همین گونه در کتاب الطیر ابن مردویه نقل شده است. ر. ک: نفحات الأزهار: ۱۴/ ۲۲۴.

(۲). مناقب الامام علی علیه السلام، ابن مغازلی: ۱۷۱، حدیث ۲۰۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۴۶

اولوالعزم نیز می‌شود، باید چنین گفت:

این حدیث با این متن، از جمله ادلّه ما برای اثبات افضلیت امیر مؤمنان علی علیه السلام نسبت به پیامبران و فرستادگان خداوند- جز پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله- به شمار می‌رود. در برخی دیگر از متون حدیث چنین نقل شده است:

انس می‌گوید: ناگاه در را باز کردم علی علیه السلام آمد و هنگامی که ایشان را دیدم به او حسد ورزیدم. «۱» در متن دیگر این گونه آمده:

آن گاه که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله علی علیه السلام را دیدند، برخاستند و ایشان را در آغوش گرفتند و فرمودند:

یا ربّ وإلیّ یا ربّ وإلیّ، ما أبطأ بک یا علی؟ «۲»

خوش آمدی، خوش آمدی، یا علی! چه شد که دیر آمدی؟

طبق سندی دیگر، پیامبر صلی اللَّه علیه وآله پس از دعای خویش و وارد شدن حضرت علی علیه السلام این گونه فرمودند:

---

(۱). همان: ۱۷۵، حدیث ۲۱۲.

(۲). المعجم الکبیر: ۱۰/ ۲۸۲، مناقب الامام علی علیه السلام، ابن مغازلی: ۱۶۴، حدیث ۱۹۰ و ۱۹۲ و ۱۹۳ و منابع دیگر.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۴۷

ما أبطأ بک یا علی!

ای علی چه شد که دیر آمدی؟

علی علیه السلام فرمود: ای رسول خدا! سه بار آمدم و هر سه بار انس مرا بازگرداند.

انس می‌گوید: در این هنگام خشم را در چهره رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله مشاهده نمودم، ایشان فرمودند: «ای انس! چه چیزی تو را واداشت تا او را بازگردانی؟»

گفتم: ای رسول خدا! صدایتان را شنیدم که دعا می‌کردید، دوست داشتم که دعوت نصیب فردی از انصار شود.

گویا با این بهانه خشم رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله پایان یافت (!) به محض آوردن این عذر، آن خشم شدیدی که انس در چهره ایشان مشاهده کرد، از بین رفت.

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله هنگامی که این عذر را شنیدند، فرمودند: اولین کسی نیستی که خاندانش را دوست می‌دارد!! «۱» به نظر ما این کلام را به نام رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله در حدیث طیر، جعل کرده‌اند و این که آن حضرت فرموده باشد: «فرد به خاطر

---

(۱). ر. ک: المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۳۱، المعجم الأوسط: ۷/ ۲۶۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۴۸

دوست داشتن خاندانش سرزنش نمی‌شود»، یا «اولین کسی نیستی که خاندانش را دوست می‌دارد» این دو جمله را راویان به برخی از متون این حدیث افزوده‌اند.

اما اتفاق نظر وجود دارد که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله از رفتار انس ناراحت و خشمگین شدند و بنابر آن چه در حدیث آمده است، حضرتش به او فرمودند:

أبی اللَّه- یا أنس!- إلّا أن یکون ابن أبی طالب؛

ای انس! خدا امتناع دارد که این فرد غیر از [علی] بن ابی طالب باشد.

این موارد، قرینه های داخلی موجود در متن حدیث هستند.

### حدیث طیر و استناد حضرت علی ... ص: ۴۸

علیه السلام

علاوه بر قرائن داخلی، قرائن خارجی وجود دارد که ما را به مدلول حدیث می‌رساند. از جمله آن‌ها این است که امیر مؤمنان علی علیه السلام در روز شورا به حدیث طیر استناد کرد و بر اساس آن احتجاج نمود.

در این جا ممکن است پرسیده شود: چرا حضرت علی علیه السلام به این حدیث اقامه حجّت نمود؟ و برای چه کسی استدلال

آورد؟

در پاسخ این پرسش می گوییم:

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۴۹

حضرت علی علیه السلام در اعتراض به بزرگان صحابه که عمر آن‌ها را انتخاب کرده بود تا در بین آن‌ها به شور بنشینند و خلیفه را در آن مجلس تعیین کنند، اقامه حجّت نمود. آنان بزرگان قوم و ریش سفیدهای مردم آن زمان بودند.

بنابراین، علی علیه السلام بر اینان اقامه حجّت نمود. به راستی چه کسی اقامه حجّت نموده است؟

امیر مؤمنان علی علیه السلام.

آیا علی علیه السلام به دلیلی استناد کرده که هیچ اصالتی ندارد؟

آیا علی علیه السلام به چیزی اقامه حجّت نموده که سند معتبری ندارد یا دروغ و ساختگی است؟

علی علیه السلام اقامه حجّت نموده است و صحابه‌ای که از سوی عمر انتخاب شده بودند تا یکی از آنان به عنوان جانشین عمر تعیین گردد، مخاطب این استدلال و احتجاج بوده‌اند. حضرت علی علیه السلام در آن مجلس با استناد به حدیث طیر، بر امامت خویش اقامه حجّت نمود. «۱»

---

(۱). مناقب الامام علی علیه السلام، ابن مغازلی: ۱۳۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۵۰

### سعد بن ابی وقاص و احتجاج به حدیث طیر ... ص: ۵۰

هم‌چنین سعد بن ابی وقاص به این حدیث استناد کرده است.

روزی معاویة بن ابی سفیان به او دستور داد تا به علی علیه السلام ناسزا گوید. سعد از دشنام دادن امتناع ورزید. معاویه دلیل کارش را پرسید.

سعد این عذر را آورد که وی صفاتی را از زبان رسول خدا صلی اللّه علیه وآله در مورد امیر مؤمنان، شنیده است که تا زمانی که آن صفات را به یاد بیاورد هرگز به علی علیه السلام دشنام نخواهد گفت.

صفاتی که سعد به آن‌ها متوسّل شد در این روایت عبارتند از:

حدیث رایت، حدیث طیر، حدیث غدیر. «۱» از این رو، این قراین خارجی، بر این نکته دلالت دارند که حضرت علی علیه السلام، محبوب‌ترین خلق خدا و رسول خداست. البته این قراین بی‌شمارند و ما سخن را با ذکر آن شواهد به درازا نمی‌کشیم.

### رابطه محبوب‌ترین بودن با امامت و ولایت ... ص: ۵۰

اکنون این پرسش‌ها مطرحند که معنای «دوست داشتنی‌ترین فرد در نزد خدا و رسول خدا بودن» چیست؟

---

(۱). حلیة الأولیاء: ۴/ ۳۵۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۵۱

بین محبوب‌ترین بودن و امامت و ولایت چه رابطه‌ای وجود دارد؟

آیا می‌توان تصوّر کرد که محبوبیت اشیا یا اشخاص در نزد خدا و رسولش امری تصادفی باشد؟

آیا امکان دارد که این امر، بدون معیار و قاعده باشد؟

آیا چنین احتمالی داده می‌شود؟

ممکن است هر فردی چیزی و یا کسی را دوست داشته باشد و آن را بهترین و دوست داشتنی‌ترین فرد یا چیز نزد خود بداند. در این صورت، به خاطر این دوست داشتن از او سؤال می‌شود که دلیل این محبوبیّت چیست؟

بی‌تردید چنین پرسشی مطرح خواهد شد و دوست داشتن قاعده و علّتی دارد و محبوبیّت امری تصادفی نیست.

انسان، همه صداها را دوست ندارد، همه تصاویر را دوست ندارد، همه اشیا را دوست ندارد، ناگزیر باید قانونی برای دوست داشتن وجود داشته باشد. پس برای این که امری دوست داشتنی‌تر باشد، به طریق اولی این قاعده و قانون حاکم خواهد بود.

این که چیزی برای انسان محبوب‌ترین اشیا موجود در جهان باشد، یا این که شخصی محبوب‌ترین افراد در جمع انسان‌ها باشد، آیا بی‌حساب

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۵۲

و بدون دلیل و سبب است؟ چنین امری منطقی و عاقلانه نیست.

ما انسان هستیم و دارای قدرت تعقّل، ما تلاش می‌کنیم که رفتار و اعمالمان از روی حکمت، دلیل و علّت باشد. بدون دلیل از چیزی حذر نمی‌کنیم؛ یا بدون دلیل بی‌حساب و بدون سبب، چیزی را انتخاب نمی‌کنیم. آیا معقول است که بگویی: فلان کتاب را بیش از همه کتاب‌های جهان دوست داری و وقتی علّت را بپرسند، پاسخی منطقی نداشته باشی؟!

خداوند سبحان و متعال یکی از افراد بشر و مخلوقات خویش را محبوب‌ترین آن‌ها نزد خویش قرار داده و رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله نیز شخصی را به عنوان محبوب‌ترین مخلوقات انتخاب کرده، آیا معتقدی که این بدون حساب و کتاب است؟

آیا چنین امری معقول است؟

همه تحریفاتی که توسط محدّثان و مؤلفان اهل سنّت در این حدیث صورت گرفته و تمام استدلال‌هایی را که تلاش می‌کردند به وسیله این حدیث در برابر امامت بیاورند، همه این موارد، شواهد و ادلّه دیگری است که بر افضلیّت امیر مؤمنان علی علیه السلام و مقام والای آن حضرت دلالت دارد.

چرا که اگر این گونه نبود، چنین نمی‌کردند، دست به تحریف نمی‌زدند، اقدام به ضرب و شتم نمی‌کردند، منبرها را نمی‌شکستند و به

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۵۳

یکی از بزرگ‌ترین حدیث‌شناس و حافظ حدیثِ مذهب خویش، توهین نمی‌کردند.

بنابراین، محبوب‌ترین بودن نزد خداوند متعال و رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله تصادفی نیست و باید دلیلی داشته باشد.

بدیهی است که محبوب‌ترین بودن نزد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به خاطر تمایلات نفسانی و اغراض شخصی نیست؛ چرا که رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله بزرگ‌تر و ارجمندتر از آن است که کسی را فقط به خاطر تمایلات نفسانی، دوست بدارد و آن شخص را محبوب‌ترین خلق خداوند نزد خویش به حساب بیاورد، پس چه قاعده‌ای در این محبوب‌ترین بودن وجود دارد؟

ما درباره این قاعده یا دیگر قواعد، علم و آگاهی کافی و دقیقی نداریم؛ چرا که از سویی مسأله دقیق‌تر و مهم‌تر از آن است که خرد و عقل ما آن را درک کند و بفهمیم که پیامبر اکرم صلی اللَّه علیه وآله چه معیار و ملاکی برای انتخاب یکی از مخلوقات خداوند متعال به عنوان محبوب‌ترین آن‌ها نزد خویش داشته است.

و از سوی دیگر ما در سطحی نیستیم که آن معیار و دیگر معیارهای رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله را بدانیم، تا بتوانیم مشخص کنیم که چه کسی محبوب‌ترین خلق است، مگر از طریق احادیث متواتر

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۵۴

و معتبری که از رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله نقل شده و شیعه و سنّی بر آن‌ها اتّفاق نظر دارند.

بنابراین، امکان ندارد محبوب‌ترین بودن شخصی نزد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به خاطر تمایلات نفسانی و علاقه و اشتیاق خاص و غرض ورزی باشد تا فردی را محبوب‌ترین مخلوق پروردگار قرار دهد و دیگران را در این زمره قرار ندهد.

بلکه در این جا ضوابطی وجود دارد که به واسطه آن‌ها، دورترین مردم به ایشان نزدیک و نزدیک‌ترین مردم از ایشان، دور می‌شوند.

این ضوابط بی‌تردید از جانب خداوند متعال است و هر پیامبری که از جانب خداوند سبحان و متعال فرستاده می‌شود، فقط با توجّه به وحی الهی کاری را انجام می‌دهد، یا از آن دست برمی‌دارد و بر عکس، به انجام کاری اقدام نمی‌کند و از آن دست نمی‌کشد.

قرآن کریم درباره حضرت محمّد مصطفی صلی اللَّه علیه وآله می‌فرماید:

«وَما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوى* إِنْ هُوَ إِلّا وَحْىٌ يُوحى»؛ «۱»

او هرگز از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید، سخن او چیزی جز وحی، که بر او القا می‌شود نیست.

بنابراین، اگر محبوب‌ترین بودن با معیار و دلیل و حساب باشد، آن

---

(۱). سوره نجم: آیات ۳ و ۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۵۵

محبوب‌ترین بودن به نزدیکی معنوی و افضلیّت می‌انجامد و به وجودی پایان می‌پذیرد که محبوب‌ترین افراد نزد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله باشد و در همه امور زندگی از دیگران مقدّم و پیش رو شود.

در این باره نووی در شرح صحیح مسلم عبارت جالبی دارد، همو که از بزرگ‌ترین حافظان حدیث شناس اهل سنّت به شمار می‌رود و کتاب او در شرح صحیح مسلم از مشهورترین و معتبرترین کتاب‌های اهل سنّت است. او در این کتاب معنای محبّت خداوند متعال به بنده خود و مراد از این کلمه در متون اسلامی قرآن و سنّت، چنین شرح می‌دهد:

محبّت خداوند سبحان و متعال به بنده خود این است که به او توانایی اطاعت، عصمت و توفیق بهره‌مندی از الطاف و رحمت‌های الهی را عنایت فرماید. این‌ها پایه‌ها و نقطه‌های شروع محبّت است. اما غایت این محبّت آن است که حجاب‌ها را از قلب بنده خود بزداید تا با بصیرت خویش، خدا را ببیند و این شخص، محبوب خداوند متعال می‌شود، همان طور که در حدیث صحیح قدسی آمده است:

فإذا أحببته کنت سمعه الّذی یسمع به وبصر؛ «... ۱»

آن گاه که او را دوست بدارم، گوش او شوم، همان گوشی که با آن می‌شنود و چشم او گردم...

---

(۱). شرح صحیح مسلم، نووی: ۱۵/ ۱۵۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۵۶

به راستی نووی چه عبارت لطیفی گفته است؟!

بنابراین، آیا در مورد ملازمه محبوب‌ترین فرد بودن با امامت شک و تردیدی باقی می‌ماند؟

آن چه گفته شد درباره کسی است که خداوند او را دوست دارد، اما اگر فردی محبوب‌ترین مخلوقات نزد او باشد، چه جایگاهی پیدا می‌کند؟

عبارت نووی پیرامون محبّت خدا به یک نفر بود، اما اگر این شخص به تنهایی محبوب‌ترین آفریدگان خداوند متعال شود چه باید گفت؟

این همان چیزی است که گفتیم فهم ما از درک چنین مسائلی ناتوان است، مگر این که به اندازه‌ای که می‌فهمیم سخن بگوییم.

از این رو، بی‌تردید اقتضای محبوب‌ترین بودنِ نزد خداوند، داشتن مقام امامت، خلافت و ولایت است.

آن چه گفتیم در پرتو حدیثی مطرح شد که آن را با روایت‌ها، سندها و متون گوناگون و برخی عباراتی که به آن مربوط می‌شد، بیان کردیم.

بنابر آن چه گفته شد بحث در مورد حدیث طیر از طرفی بر امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام دلالت دارد و از طرف دیگر محبوب‌ترین فرد بودن اقتضا می‌کند که آن فرد از دیگران برتر باشد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۵۷

### محبوب‌ترین بودن، معیاری در رویدادهای تاریخ صدر اسلام ... ص: ۵۷

اما با روی کرد به وقایع تاریخ اسلام، تنها با ذکر دو نمونه از وقایع، روشن می‌شود که استدلال ما به حدیث طیر درباره امامت امیر مؤمنان علی علیه السلام از طریق دلالت این روایت بر محبوب‌ترین بودن آن حضرت نزد خداوند، از امور مسلّم نزد صحابه بزرگ است و جای هیچ گونه خدشه از سوی هیچ کس باقی نمی‌ماند.

### عمر و سخن از جانشینی خود ... ص: ۵۷

نمونه یکم.

اهل سنّت چنین روایت می‌کنند:

عمر بن خطّاب در آخرین لحظات زندگی خود بود که به او گفتند: «اگر می‌خواستی کسی را به جانشینی منصوب کنی چه کسی را انتخاب می‌کردی؟»

عمر پاسخ داد: اگر ابوعبیده جرّاح زنده بود قطعاً او را به جانشینی انتخاب می‌کردم.

البته ما نمی‌خواهیم از موضوع بحث خارج شویم؛ چرا که هدف ما تنها ارائه شاهدی است که بر این مطلب دلالت داشته باشد که محبوب‌ترین بودن، دلیل افضلیّت است و افضلیّت نیز از نظر کتاب، سنّت، عقل و خردمندان دلیلی بر امامت و خلافت کلّی است و ما در

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۵۸

گفتار عمر دیدگاهی داریم که در جای خود بحث شده است.

در توضیح سخن عمر می‌گوییم: او می‌گوید: اگر ابوعبیده جرّاح زنده بود قطعاً او را به جانشینی خود انتخاب می‌کردم.

اگر خداوند متعال از وی بپرسد: چرا و با چه معیاری ابوعبیده را در صورت زنده بودن، جانشین خود می‌کردی؟!

می‌گوید: اگر پروردگارم از من بپرسد، می‌گویم: از پیامبر تو شنیدم که می‌گفت: ابوعبیده، امین این امّت است.

هم‌چنین عمر می‌گوید: اگر سالم، غلام ابوحذیفه زنده بود او را جانشین خود می‌کردم.

ما در این مورد نیز دیدگاهی داریم که در جای خود بحث خواهد شد.

عمر می‌گوید: اگر پروردگارم از من بپرسد، می‌گویم: از پیامبرت شنیدم که می‌گفت: به راستی سالم، خداوند را بسیار دوست دارد.

دلیل عمر بن خطّاب برای جانشینی نزد خداوند این است که از پیامبر شنیده است که می‌گفت: به راستی سالم، خداوند را بسیار دوست دارد.

بنابراین، حُبّ و دوستی به ملاک و معیاری برای خلافت

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۵۹

و جانشینی تبدیل شد. از سوی دیگر، اجماع بر این بود که امام بایستی از قریش باشد. اما چرا سالم غلام ابی حذیفه با این وضعیّت مدّ نظر عمر بن خطّاب بود؟ در این باره در جای خود بحث خواهیم کرد.

گفتنی است که این نمونه تاریخی در منابع اهل سنّت از جمله تاریخ طبری و الکامل فی التاریخ ابن اثیر و منابع دیگر آمده است. «۱»

### استدلال عمر در سقیفه ... ص: ۵۹

نمونه دوم.

نمونه دوم مهم‌تر است. در صحیح بخاری و در جریان سقیفه و رویدادهای مربوط به آن و به طور مشخص در جریان بیعت با ابوبکر، شاهد دومی بر این سخن خویش می‌یابیم. راوی می‌گوید:

انصار در سقیفه بنی ساعده نزد سعد بن عباده گردهم آمدند.

ابوبکر گفت: ما امیریم و شما وزیر!

عمر به ابوبکر گفت:

نبایعک أنت، فأنت سیّدنا وخیّرنا وأحبّنا إلی رسول اللَّه؛

ما فقط با تو بیعت می‌کنیم، تو سرور، خیرخواه و محبوب‌ترین ما نزد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله هستی!

---

(۱). تاریخ طبری: ۲/ ۵۸۰، الکامل فی التاریخ: ۳/ ۶۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۶۰

آن گاه عمر با او بیعت کرد و مردم نیز با وی بیعت کردند. «۱» بنابراین، محبوب‌ترین فرد بودن نزد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله معیاری در وقایع صدر اسلام بوده است.

ما این بحث را کنار می‌گذاریم و آن را به جای خود موکول می‌کنیم.

البته طبق عبارتی که از ابوبکر نقل شده، خود او انکار می‌کند که بهترین و محبوب‌ترین امت نزد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله باشد.

این روایت در صحیح بخاری آمده؛ خواه درست باشد و خواه نادرست حجّت و برهانی منطقی در برابر اهل سنّت است که ما آنان را به پذیرش آن وادار می‌کنیم.

عمر بن خطّاب ادّعا می‌کند که ابوبکر محبوب‌ترین مخلوقات نزد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله است. از این رو در برابر انصار و دیگران اعلام کرد که ابوبکر کسی است که به جانشینی منصوب گردیده است، به چه دلیل؟ برای این که او محبوب‌ترین مخلوقات خداوند نزد رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله است.

اما حدیث طیر، حدیثی متواتر و معتبر است که از پیامبر

---

(۱). صحیح بخاری: ۵/ ۷ و ۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۶۱

اکرم صلی اللّٰه علیه وآله صادر شده است و شیعه و سنّی آن را قبول دارند که ما پیش‌تر درباره راویان و چگونگی استدلال به آن سخن گفتیم.

### حسد ورزی به امیرالمؤمنین ... ص: ۶۱

علیه السلام

از فواید حدیث طیر این است که بدانیم، در بین اصحاب رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله حتی نزدیکان ایشان کسانی بودند که به امیر مؤمنان علی علیه السلام حسد می‌ورزیدند.

انس بن مالک خدمتکار رسول خدا صلی اللّٰه علیه وآله دروغ می‌گوید، نه یک بار و نه دو بار؛ بلکه چندین بار. او به جهت حسادتی که در دل، نسبت به علی علیه السلام داشت دروغ می‌گوید و آشکار شدن واقعیّت را بیشتر و بیشتر به تعویق می‌اندازد.

هنگامی که امیر مؤمنان علی علیه السلام از انس خواست تا به حدیث غدیر گواهی دهد از شهادت دادن خودداری کرد و شهادت خویش را کتمان نمود و کتمان شهادت از گناهان کبیره است تا این که امیر مؤمنان علی علیه السلام او را نفرین کرد و به بیماری پیسی مبتلا گردید. «۱» آری، برای شناخت شخصیّت واقعی افراد، پیش از مراجعه به

---

(۱). المعارف ابن قتیبه: ۵۸۰، شرح نهج البلاغه: ۴/ ۷۴.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۶۲

کتاب‌های شرح زندگینامه اشخاص و صحابه، لازم است به سراغ سنّت و سیره نبوی برویم و از این رهگذر شخصیّت حقیقی و واقعی آنان را دریابیم، چرا که کارشناسان این حوزه، به خوبی می‌دانند که حقایق حالات افراد در سنّت و احادیث وارده در منابع معتبر، بیشتر و بیشتر آشکار می‌شود.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۶۴

## بخش سوم تلاش‌هایی ناکارآمد در رد حدیث طیر ... ص: ۶۴

### اشارهٔ

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۶۵

اکنون به تلاش‌های اهل سنّت برای پاسخ به این حدیث شریف می‌پردازیم. ما در ادامه می‌کوشیم تا تلاش‌های آنان برای ابطال این حدیث و خودداری از نقل و گسترش آن را آشکار سازیم.

تلاش‌های آن‌ها در سه حوزه خلاصه می‌شود:

### ۱. تردید در سند حدیث ... ص: ۶۵

#### دیدگاه ابی الفرج ابن جوزی حنبلی ... ص: ۶۵

ابوالفرج ابن جوزی حنبلی متوفای سال ۵۹۷ هجری در کتاب العلل المتناهیهٔ فی الاحادیث الواهیهٔ این حدیث را با برخی سندهایش

می‌آورد و گاهی آن را تضعیف می‌کند، اما از ذکر برخی از سندهای دیگر حدیث، چشم پوشی می‌کند. «۱»

---

(۱). العلل المتناهیة فی الاحادیث الواهیة: ۱/ ۲۲۸، شماره‌های ۳۶۰- ۳۷۷.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۶۶

ابن جوزی به شتابزدگی در صدور حکم معروف است و نه تنها به تضعیف، بلکه به طور شتابزده به جعلی و ساختگی بودن حدیث نیز حکم می‌دهد.

اما چه بسیار احادیثی که در صحاح موجود بودند و او به تضعیف و تخریب آن‌ها در کتاب‌های خویش پرداخته و یا آن‌ها را تکذیب نموده است. به همین دلیل محدّثان بزرگ از محققان اهل سنّت تأکید می‌کنند که از اعتماد کردن به حکم ابن جوزی خودداری شود و دیگران را به هنگام بررسی روایات، به ضرورت پایبندی به این نکته فرا می‌خوانند.

عجیب این که برخی از آن‌ها به ابن جوزی نسبت می‌دهند که او حدیث طیر را در کتاب الموضوعات آورده است.

ملّا علی قاری در کتاب المرقاة فی شرح المشکاة و برخی دیگر از عالمان اهل سنّت در کتاب‌های خود به ابن جوزی نسبت داده‌اند که او به جعلی و ساختگی بودن این حدیث شریف، حکم داده و آن را در کتاب الموضوعات آورده است. «۱» در صورتی که این حدیث شریف در کتاب الموضوعات وجود

---

(۱). مرقاة المفاتیح: ۱۰/ ۴۶۵، شماره ۶۰۹۴، تذکرة الموضوعات: ۹۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۶۷

ندارد، بلکه با برخی از اسناد، در کتاب العلل المتناهیه وارد شده است. چرا که وی درباره رجال برخی از سندهای این حدیث، تردید ایجاد می‌کند.

امّا درباره سندهای دیگر این حدیث، سکوت اختیار کرده است.

البته ما نیز ادّعا نمی‌کنیم که همه اسناد آن صحیح باشد.

### دیدگاه ابن کثیر دمشقی ... ص: ۶۷

ابن کثیر دمشقی در تاریخ خود به نقل حدیث طیر می‌پردازد و آن را از زبان تعدادی از پیشوایان سرشناس از جمله ترمذی، ابی یعلی، حاکم نیشابوری، خطیب بغدادی، ابن عساکر، شمس الدین ذهبی و دیگران روایت می‌کند. وی در ادامه می‌گوید:

علما، کتاب‌های جداگانه‌ای درباره این حدیث گرد آورده‌اند که می‌توان: ابوبکر ابن مردویه و حافظ ابوطاهر محمد بن احمد بن حمدان را نام برد. همان طور که شیخ ما ابوعبداللّه ذهبی نقل می‌کند و می‌افزاید:

کتابی از ابوجعفر ابن جریر طبری، صاحب تفسیر و تاریخ مشهور، دیدم که همه طرق این روایت و متون و نقل‌های مختلف آن را جمع کرده است. سپس با کتاب بزرگ دیگری رو به رو شدم که قاضی و متکلّم ابوبکر باقلانی آن را در پاسخ به کتاب طبری و در جهت تضعیف

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۶۸

سند و متن این حدیث، نگاشته بود.

آن گاه ابن کثیر نظر خود را درباره این حدیث این گونه بیان می‌کند:

در مجموع باید گفت: دل من نسبت به صحّت این حدیث، تردید دارد، هرچند طرق آن بسیار است. «۱»

**بررسی و نقد دیدگاه ابن کثیر ... ص: ۶۸**

دلیل ابن کثیر بر ضعف حدیث طیر این است که دلش او را یاری نمی‌دهد تا این حدیث را بپذیرد. همان طور که دل ابوجهل به وی کمک نکرد تا قرآن واسلام را بپذیرد.

همان گونه که می‌بینید، مانع پذیرش یک روایت، دل یک دانشمند است. این تاریخ نویس و مفسّر نمی گوید: این حدیث جعلی و ساختگی است، ادّعا نمی کند که این حدیث، کذب است، نمی گوید:

سندش چنین و چنان است و در آن خدشه وارد است، حتی نمی گوید:

راوی آن، ضعیف است، یا فلان متن روایت ضعیف است و...

اگر چنین می گفت، جای بحث و بررسی بود؛ چرا که این‌ها مناقشات علمی و قابل بررسی هستند و طرح این گونه مباحث علمی

---

(۱). البدایة والنهایه: ۷/ ۳۵۰- ۳۵۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۶۹

نیز مانعی ندارد.

اما او می گوید: در مجموع باید گفت: دل من نسبت به صحّت این این حدیث، تردید دارد، هر چند طرق آن بسیار است (!)

البته رجوع به قلب از جمله روش‌های عالمان اهل سنّت در پاسخ به برخی احادیث است. در این جا برای جلوگیری از طولانی شدن بحث، فقط به ذکر یک نمونه بسنده می کنیم.

هنگامی که علمای اهل سنّت می‌خواهند حدیثی را رد کنند که به وسیله روش‌های علمی موفّق نشده‌اند آن را رد نمایند و هیچ روشی جهت مناقشه در سند آن نمی‌یابند، گاهی به سوگند متوسّل می‌شوند و می گویند: به خدا سوگند که جعلی و ساختگی است (!) و چه دلیلی محکم‌تر از این؟!

و گاهی به قلب‌هایشان رجوع می کنند و می گویند: قلب گواهی می‌دهد که حدیثی جعلی است (!)

در این باره فقط یک نمونه بیان می کنیم.

حاکم نیشابوری در المستدرک علی الصحیحین حدیثی را از علی بن ابی طالب علیهما السلام نقل می کند که حضرت علی علیه السلام فرمود:

رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله به من فرمود:

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۷۰

إنّ أوّل من یدخل الجنّة أنا وفاطمة والحسن والحسین

علیهم السلام؛

به راستی نخستین کسانی که وارد بهشت می‌شوند من، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام هستیم.

گفتم: ای رسول خدا! پس دوستداران ما چه؟

فرمود: آنان به دنبال شما وارد می‌شوند.

حاکم نیشابوری پس از نقل این حدیث می گوید: سند آن صحیح است، اما بخاری و مسلم آن را نقل نکرده‌اند. «۱» این حدیث را حاکم نیشابوری نقل کرده است، حال، گناه ما چیست که حاکم به دلیل نقل این حدیث و حکم به صحّت آن- از نگاه ناصبی‌ها- دروغ گفته است؟

آری، ما دوستداران اهل بیت علیهم السلام هستیم. ابتدا این بزرگواران وارد بهشت می‌شوند و ما پس از آن‌ها، در بهشت گام خواهیم نهاد؛ چرا که ما اهل بیت علیهم السلام را دوست می‌داریم.

البته ادله بسیاری در مورد شیوه رجوع به قلب وجود دارد؛ به گونه‌ای که هیچ کس نمی‌تواند این امر را انکار کند.

---

(۱). المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۵۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۷۱

برای مثال ذهبی در تلخیص المستدرک در ذیل این حدیث می گوید:

این حدیث ناشناخته است و قلب به جعلی بودن آن گواهی می‌دهد (!) «۱» ای کاش ذهبی در سند حدیث- هر چند به بهانه ضعف یکی از راویان آن- مناقشه می کرد. اما وی می گوید: قلب به جعلی بودن آن گواهی می‌دهد (!)

به راستی چرا قلب ذهبی به جعلی بودن حدیث گواهی می‌دهد؟

حدیث می گوید: نخستین کسانی که وارد بهشت می‌شوند، رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله، علی مرتضی، فاطمه زهرا، حسن و حسین علیهم السلام و دوستداران آن‌ها به دنبالشان هستند.

چه مانعی وجود دارد و چه گزندی به ذهبی می‌رسید که قلبش گواهی داده که این حدیث، جعلی است؟

آیا حبّ و مهرورزی به اهل بیت علیهم السلام مانع ورود به بهشت می‌شود که قلبش گواهی داده که این حدیث جعلی است؟ یا شک دارد که رسول خدا، علی مرتضی، فاطمه زهرا، حسن و حسین علیهم السلام اولین افرادی هستند که وارد بهشت می‌شوند؟

آیا در این مورد تردید می کند؟ چرا قلبش به جعلی بودن حدیث

---

(۱). تلخیص المستدرک، ذهبی در ذیل آدرس پیشین: ۳/ ۱۵۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۷۲

گواهی می‌دهد؟

این نکته‌ای است که باید تأمّل شود.

بنابراین، نخستین تلاش اهل سنّت، مناقشه در سند حدیث شریف و حکم به ضعف آن است.

اما همان طور که بیان کردیم، این حدیث در صحاح شش گانه آمده و دارای سندهای صحیح است. برای اثبات صحّت سندهای این روایت، بخش فراوانی از سندهایی را که در غیر صحاح آمده واکاوی کرده‌ایم و در این راستا بنابه دیدگاه‌های علمای بزرگ علم حدیث و پیشوایان دانش جرح و تعدیل، صحّت آن‌ها را به اثبات رساندیم.

## ۲. تحریف در عبارات ... ص: ۷۲

دوّمین روش اهل سنّت برای مخدوش کردن حدیث یاد شده، تحریف در عبارات آن است.

ما پیش‌تر برخی از متون حدیث را آوردیم و روشن شد که چگونه تحریف صورت گرفته است. در مطالب پیشین، این روایت را به نقل از احمد بن حنبل از کتاب مناقب او آوردیم. اینک به بررسی متون این حدیث طبق آن چه در مسند احمد آمده، می‌پردازیم.

احمد بن حنبل می گوید: از انس بن مالک شنیدم که می گفت:

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۷۳

روزی به رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله سه پرنده بریان هدیه شد، حضرت یکی از آن‌ها را به خدمتکارش داد تا میل کند، روز بعد

خدمتکار پرنده بریان را به ایشان تقدیم نمود. رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

ألم أنهک أن ترفعی شیئاً، فإنّ اللَّه

عزوجل

یأتی برزق کلّ غد؛ «۱»

مگر تو را از ذخیره کردن چیزی نهی نکرده‌ام؟ خداوند متعال روزی هر روز را می‌دهد.

ممکن است به ذهن انسان خطور کند که این حدیث به ماجرایی دیگر مربوط است و با حدیث طیر ارتباطی ندارد. اما وقتی به متون حدیث مراجعه می‌کنیم، با برخی الفاظ مشابه و همچنین همان سندی که احمد بن حنبل ارائه داده، مواجه می‌شویم که مطالبی پیرامون حضرت علی علیه السلام و این مطلب که محبوب‌ترین مخلوقات خداوند متعال می‌باشد، در آن درج شده است.

آری، ما نیز همین تصوّر را می‌نمودیم و گمان می‌کردیم که این حدیث درباره موضوعی وارد شده که به حدیث طیر ربطی ندارد. این

---

(۱). مسند أحمد: ۳/ ۱۹۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۷۴

فکر در آغاز به ذهن ما خطور کرد. اما وقتی با دقّت تمام به احادیث نگریستیم و متوجّه شدیم که این، همان حدیث طیر است که به این شکل مطرح شده است.

به راستی آیا کسی که این حدیث را در مسند احمد آورده، خود احمد بوده، یا استنساخ کنندگان و یا ناشران کتاب او؟ خدا می‌داند.

ابوالشیخ اصفهانی نیز این حدیث را روایت می‌کند. او در روایتی که نقل کرده مطالب مربوط به امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز موجود است؛ به جز بخش‌هایی که در مورد انس و دروغ‌گویی و خیانت اوست که این مطالب حذف و تحریف شده‌اند. وی چنین نقل می‌کند:

انس بن مالک می‌گوید:

روزی به رسول خدا صلی اللَّه علیه وآله پرنده بریانی هدیه شد، ایشان فرمودند:

اللهمّ ائتنی بأحبّ خلقک إلیک یأکل معی هذا الطیر؛

خدایا! محبوب‌ترین مخلوقت را نزد من بفرست تا همراه من از این پرنده تناول نماید.

در این هنگام علی علیه السلام آمد و همراه پیامبر از پرنده تناول نمود.

سپس ابوالشیخ اصفهانی می‌گوید: حدیث تا به این جا به

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۷۵

پایان رسید. «۱» او عبارت «حدیث تا به این جا به پایان رسید» را می‌آورد، گویا می‌خواهد در نقل امانت داری کند و خیانت نورزد. شگفت این که عدّه‌ای از راویان حدیث، هر دو بخش مربوط به حضرت علی علیه السلام و انس را حذف کرده‌اند و فقط عذری که انس در پایان حکایت آورده، ذکر کرده‌اند. این افراد، فقط این بخش از روایت را همچون حدیثی مستقل می‌آورند و می‌نویسند:

انس می‌گوید: رسول اکرم صلی اللَّه علیه وآله فرمود:

لا یلام الرجل علی حبّ قومه؛

مرد به خاطر محبّت به خاندانش سرزنش نمی‌شود.

این در حالی است که ابن حجر عسقلانی می گوید: «این فراز، بخش پایانی حدیث طیر است». «۲»

## ۳. تأویل حدیث ... ص: ۷۵

آنان در این شیوه، حدیث را تأویل می کنند؛ به گونه‌ای که دلالت حدیث را، بر خلاف ظاهر آن حمل می‌نمایند. برای نمونه

---

(۱). طبقات المحدّثین بإصبهان: ۳/ ۴۵۴.

(۲). لسان المیزان: ۵/ ۵۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۷۶

پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله می‌فرماید:

اللهمّ ائتنی بأحبّ خلقك إلیك وإلی رسولك؛

خدایا! محبوب‌ترین مخلوقت نزد خود و رسولت را پیش من بفرست.

آنان این عبارت را به این صورت حمل می کنند و می گویند:

منظور پیامبر این گونه بود:

اللهمّ ائتنی بمن هو من أحبّ خلقك إلیك وإلی رسولك؛

خدایا! فردی را که برای تو و رسول تو یکی از محبوب‌ترین بندگانت است، نزد من بفرست.

در این صورت، روایت برای آنان اشکالی ایجاد نمی کند؛ چرا که در این حال بزرگان امت اسلامی نیز جزء محبوب‌ترین مخلوقات هستند و علی علیه السلام نیز یکی از آن‌هاست.

این تأویل‌ها درباره این حدیث در شروح کتاب‌هایی چون مصابیح السنهٔ، المشکاهٔ و هم‌چنین در کتاب التحفهٔ الاثنا عشریهٔ آمده است. «۱» آیا شما با چنین معنایی موافق هستید؟ مگر می‌توان این تأویل را پذیرفت؟

---

(۱). المرقاهٔ فی شرح المشکاهٔ: ۱۰/ ۴۶۴، مختصر التحفهٔ الاثنا عشریهٔ: ۱۶۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۷۷

آیا بدون هیچ گونه دلیل می‌توان یک حدیث را بر خلاف ظاهر آن تأویل و تفسیر کرد؟

نگارنده التحفهٔ الاثنا عشریهٔ می‌نویسد:

این قضیّه زمانی اتّفاق افتاد که ابوبکر و عمر در بیرون مدینه منوّره بودند، از این رو که آن‌ها نبودند، علی حاضر شد (!) «۱» به راستی آیا این ماجرا به زمانی مربوط است که ابوبکر و عمر در بیرون مدینه منوّره بودند؟

به خدا سوگند! اگر آن‌ها در بیرون مدینه منوّره بودند هیچ سخنی نداشتیم؛ چرا که ما به هنگام اثبات یا ردّ یک امر، به دور از هر گونه غرض‌ورزی گام برمی‌داریم.

امّا با حدیث نسائی و ابی یعلی چه کنیم؟ طبق نقل این دو حدیث شناس اهل سنّت، پس از دعای پیامبر خدا صلی اللَّه علیه وآله، ابوبکر آمد، ولی آن حضرت او را نپذیرفت. عمر آمد. ولی حضرتش او را نیز نپذیرفت. «۲»

---

(۱). مختصر التحفهٔ الاثنا عشریهٔ: ۱۶۵. گفتنی است که کتاب التحفهٔ الاثنا عشریهٔ از بهترین کتاب‌های اهل سنّت در باب اعتقادات و

امامت است. این کتاب بارها به چاپ رسیده است. خلاصه آن را نیز به همراه پیوست‌هایی از چنین دشمنانی، به زبان عربی، بارها در کشورهای مختلف به چاپ رسانده‌اند.

(۲). خصائص علی علیه السلام: ۲۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۷۸

صاحب المسند می‌افزاید: عثمان نیز آمد، پیامبر او را نیز نپذیرفت؟! «۱» بنابراین، ابوبکر و عمر در داخل مدینه منوّره بودند. اگر نسائی و دیگر راویان، حضور ابوبکر و عمر را در شهر مدینه، به دروغ نقل کرده‌اند، گناه ما چیست؟

## ۴. تعارض با احادیث دیگر ... ص: ۷۸

تعارض یک بحث علمی است که ما نیز با آن موافق هستیم؛ چرا که معارضه به معنای ارائه حدیث معتبری است که به واسطه آن در دلالت حدیث معتبر دیگر تردید ایجاد می‌شود.

امّا با استفاده از قواعد جرح و تعدیل یکی از دو حدیث بر دیگری مقدّم شمرده می‌شود.

این قواعد در کتاب‌های اهل سنّت مشخص شده است.

بنابراین، معارضه، روشی علمی جهت بحث و مناظره، کار پسندیده‌ای است. معارضه و بیان اختلاف بین دو حدیث، سپس بررسی دو حدیث با توجّه به سند و دلالت در راستای قواعد و اصول مقرّر، روشی علمی و عملی مطلوب و قانونمند است، ما بدون هیچ

---

(۱). البدایة والنهایه: ۷/ ۳۵۰.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۷۹

تعصّبی آماده بررسی روایاتی هستیم که مخالفان درباره حدیث طیر بیان می‌کنند.

لکن اهل سنّت در تعارض با حدیث طیر چه روایتی را می‌آورند؟

دهلوی در کتاب التحفة الاثنا عشریة در برابر حدیث طیر به حدیث «اقتدا» استناد می‌کند؛ همان حدیثی که نقل می‌کنند پیامبر خدا صلی اللّه علیه وآله فرمود:

اقتدوا باللّذین من بعدی أبی بکر وعمر؛ «۱»

بعد از من، از ابوبکر و عمر اقتدا کنید.

به خدا سوگند، اگر سند و دلالت این حدیث به طور منطقی اثبات شود و اعتبار آن برایشان ثابت گردد و همه آن‌ها بر صحّت این روایت اتّفاق نظر داشته باشند، در این صورت ما از نظر خود چشم پوشی کرده و آن‌ها را تنها نمی‌گذاریم.

ما از اول گفتیم حدیثی که هر یک از طرفین می‌خواهند به آن استناد کنند، ناگزیر باید از سوی دو طرف بحث، روایتی پذیرفته باشد.

ما از این جنبه بحث چشم‌پوشی می‌کنیم و فقط در راستای کتاب‌ها و سخنان دانشمندان آن‌ها به بررسی این حدیث می‌پردازیم. اگر حرف

---

(۱). مختصر التحفة الاثنا عشریة: ۱۶۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۸۰

اینان همین گونه بود، ما نیز می‌پذیریم و سخن خویش را کنار می‌نهیم.

اما با وجود این که حدیث طیر مورد پذیرش دو طرف بحث است، باز ما روایت «اقتدا» را می‌پذیریم.

اما چه کار کنیم که آن‌ها حدیث اقتدا از ابوبکر و عمر را نمی‌پذیرند؟

گروهی از پیشوایان بزرگ اهل سنّت و پیشگامان علم حدیث در این حدیث خدشه وارد کرده‌اند و آن را بی‌اعتبار شمرده‌اند. برای نمونه برخی از آنان را نام می‌بریم: ابوحاتم رازی، ابوبکر بزّار، ابن حزم، عقیلی، دارقطنی، ذهبی، هیثمی، ابن حجر و مناوی. «۱»

## ۵. ضرب و شتم و توهین ناقل حدیث طیر ... ص: ۸۰

### اشارهٔ

عالمان اهل سنّت بعد از این که از روش‌های علمی بررسی ظاهر حدیث؛ مناقشه در سند یا دلالت، درماندند به روش دیگری متوسّل می‌شوند، این روش را چه بنامیم؟

در حال حاضر نمی‌دانم، باید آن چه را یافته‌ام، برای شما خواننده گرامی و حق جو نقل کنم و شما خود هر نامی که می‌خواهید بر

(۱). برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر. ک: حدیث اقتدا به شیخین از سلسله پژوهش‌های اعتقادی شماره ۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۸۱

آن بنهید.

در این جا مناسب است ماجرای حافظ ابن سقّای واسطی (متوفای ۳۷۳) را برای شما شرح دهیم:

ذهبی در کتاب سیر أعلام النبلاء بعد از این که ابن سقّا را با عناوین حافظ، امام و حدیث گوی شهر واسط توصیف می‌کند و این القاب را به ایشان نسبت می‌دهد، از حافظ سلفی چنین نقل می‌کند:

از حافظ خمیس جوزی درباره ابن سقّا پرسیدم. گفت: او از طایفه مزینه از قبیله مضر است، اما سقّا نیست؛ بلکه به این عنوان ملقّب شده است. وی از سرشناسان واسطی‌ها و حافظان و ثروتمندان است.

او با پدرش به واسط سفر کرد و از ابوخلیفه و ابویعلی و ... روایت شنیده است. خداوند در سن و علم او برکت داده است.

اتّفاق نظر است که او حدیث طیر را برای مردم دیکته کرد، اما مردم بر آن تاب نیاوردند و بر او حمله نمودند و او را از جایش بلند کردند و آن جا را شستند.

او از جایگاه تدریس خود رفت و خانه‌نشین شد و با هیچ یک از واسطی‌ها سخن نگفت و به همین جهت حدیث کمتری از وی نزد آنان وجود دارد. «۱»

(۱). سیر أعلام النبلاء: ۱۶/ ۳۵۱ و ۳۵۲.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۸۲

همان گونه که روشن است راوی همه وقایعی را که بر این محدّث گذشته، از ضرب، شتم و توهین و ... بیان نکرده و به این عبارت اکتفا کرده است که «بر او حمله نمودند و از جایش بلند کردند و آن جا را شستند».

گویا مکانی که آن جا می‌نشسته و طرق حدیث طیر را دیکته می‌کرده نجس شده است. از این رو اقدام به شستن آن محل کردند، به همین دلیل او خانه‌نشین شد و از منزل خارج نگشت.

شما این روش را چه می‌نامید؟ نمی‌دانم.

این، همان چیزی است که ذهبی در شرح حال این مرد در سیر اعلام النبلاء و تذکرة الحفّاظ آورده است. «۱»

## حاکم نیشابوری و صحّت حدیث طیر ... ص: ۸۲

حاکم نیشابوری به صحّت حدیث طیر، اصرار می‌ورزید. او در کتاب علوم الحدیث می‌نویسد:
حدیث طیر از مشهورترین احادیث است و اصحاب صحاح باید آن را در صحاح وارد می‌کردند.

---

(۱). همان، تذکرة الحفاظ: ۳/ ۹۶۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۸۳

وی می‌افزاید: من با بسیاری از محدّثان درباره این حدیث به گفت و گو و مذاکره پرداختم و در مورد آن کتابی نوشتم. «۱» حاکم، کتابی درباره حدیث طیر نوشته و در آن، همه طرق آن را گردآوری کرده است.
آن گاه حاکم نیشابوری این حدیث را در المستدرک علی الصحیحین روایت می‌کند و چنین خاطرنشان می‌شود:
این حدیث طبق شروط بخاری و مسلم روایتی صحیح است، اما آن دو، روایت یادشده را نقل نکرده‌اند و عدّه‌ای از اصحاب- که تعدادشان به بیش از سی نفر می‌رسد- این حدیث را از انس روایت کرده‌اند. «۲» پیش‌تر گفتیم که راویان حدیث شریف طیر، از زبان انس بیش از هشتاد نفر بودند، نه سی نفر.
حاکم نیشابوری می‌افزاید:
روایت این حدیث از زبان علی علیه السلام، ابوسعید خدری و سفینه نیز صحّت دارد.

---

(۱). معرفة علوم الحدیث: ۹۳.
(۲). المستدرک علی الصحیحین: ۳/ ۱۳۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۸۴

## عالمان اهل سنّت و دیدگاه حاکم نیشابوری ... ص: ۸۴

اما دانشمندان اهل سنّت در برابر دیدگاه حاکم نیشابوری و نقل این روایت در المستدرک علی الصحیحین و پافشاری او بر صحّت آن دچار سردرگمی شده‌اند.
ماجرای حدیث طیر و حاکم نیشابوری داستانی شد که در بیشتر کتاب‌ها به هنگام پرداختن به احوالات حاکم و نقل حدیث طیر، آمده است. یعنی به دلیل این اقدام حاکم، سر و صداها به راه افتاده و علمای سنّی علیه او برخاستند و قیامتی برپا شد. از این رو، به دلیل این حدیث عده‌ای او را طرد کردند و گفتند: حاکم، رافضی است.
اما ذهبی و ابن حجر عسقلانی می‌گویند: خداوند انصاف را دوست می‌دارد، این مرد رافضی نیست.
برای آگاهی بیشتر در این باره به لسان المیزان، سیر أعلام النبلاء و دیگر کتاب‌های اهل سنّت مراجعه نمایید. «۱» سپس عدّه‌ای آمدند و المستدرک علی الصحیحین را کنار زدند و گفتند: در این کتاب بر طبق معیارها و شروط بخاری و مسلم حتی یک روایت صحیح وجود ندارد (!)

---

(۱). لسان المیزان: ۵/ ۲۳۳، سیر أعلام النبلاء: ۱۷/ ۱۷۴، ر. ک: میزان الاعتدال: ۳/ ۶۰۸.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۸۵

ذهبی درباره این دیدگاه می گوید: این لجاجت و اغراق گویی است. «۱» حتی گفته‌اند: هنگامی که به دارقطنی اطلاع دادند حاکم نیشابوری، حدیث طیر را در المستدرک علی الصحیحین آورده است، وی از این عمل حاکم انتقاد کرد.

این در حالی است که ذهبی می گوید: حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین را مدّتی پس از وفات دارقطنی تألیف کرده است. «۲»

### دیدگاه سُبکی ... ص: ۸۵

سُبکی در کتاب طبقات الشافعیه از ذهبی چنین نقل می کند:

از حاکم نیشابوری درباره صحّت حدیث طیر پرسیدند.

حاکم پاسخ داد: این حدیث صحیح نیست. اگر این حدیث صحیح باشد، باید گفت: کسی بعد از رسول خدا صلی اللّه علیه وآله برتر از علی وجود ندارد.

آن گاه استاد ما می گوید: از یک سو سند این حکایت صحیح است. اما از سوی دیگر، چرا حاکم این حدیث را در المستدرک علی

---

(۱). سیر أعلام النبلاء: ۱۷/ ۱۷۵.

(۲). همان: ۱۷/ ۱۷۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۸۶

الصحیحین نقل کرده است؟

یعنی: اگر حاکم معتقد باشد که ابوبکر و عمر از علی علیه السلام برتر هستند، پس چرا حدیث طیر را در المستدرک علی الصحیحین آورده؟ و چرا آن را صحیح دانسته است؟

سُبکی در ادامه می گوید: به اعتقاد من، این حدیث به کتاب حاکم افزوده شده است (!) «۱» یعنی حدیث طیر به کتاب المستدرک علی الصحیحین افزوده شده است (!)

ببینید تا چه اندازه تلاش می کنند برای این که حدیثی را از میان احادیث حذف کنند، می گویند: به نظر من، این حدیث به کتاب حاکم افزوده شده و از روایت‌های نقل شده از سوی حاکم نیست (!)

سُبکی می‌افزاید: من در مورد نسخه‌های قدیمی المستدرک علی الصحیحین جست و جو کردم و نتوانستم خودم را قانع کنم که این روایت، در نسخه‌های اصلی این کتاب نبوده است. (یعنی این حدیث را در تمام نسخه‌های آن دیدم).

آن گاه این موضوع را به دارقطنی یادآوری کردم که او حدیث طیر را در المستدرک علی الصحیحین آورده است. به گمانم رسید که این روایت

---

(۱). طبقات الشافعیّه: ۴/ ۱۶۸ و ۱۶۹.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۸۷

بعدها به کتاب حاکم افزوده نشده است.

(یعنی کسی این حدیث را به المستدرک علی الصحیحین نیفزوده است).

برخی گفته‌اند: حاکم آن را از کتاب خود حذف کرده است.

چنان چه درستی این گفته ثابت شود، حکایات پیشین مبنی بر وجود این حدیث در المستدرک علی الصحیحین، و از سوی دیگر عدم اعتقاد حاکم به درستی این حدیث نیز صحت پیدا می‌کند. به این معنا که او قبل از آشکار شدن نادرستی حدیث، آن را نقل کرده است.

اما پس از روشن شدن این مطلب که برتری علی علیه السلام بر شیخین مدلول حدیث است، حدیث یاد شده را از کتاب خود حذف کرده است. همان گونه که ذهبی نیز این سخن را- که حاکم به عدم صحّت روایت طیر معتقد بوده-، تأیید کرده و آن را داستانی حقیقی می‌داند.

اما حدیث در برخی نسخه‌ها باقی مانده؛ خواه به صورت چاپ شده نسخه‌ها به صورت کتاب و یا غرض‌ورزی و دشمنی برخی با ابوبکر و عمر، موجب شده آنان روایت یادشده را به المستدرک علی الصحیحین بیفزایند. هر دو حالت ممکن است و علم به حقیقت مسأله نزد خداوند متعال است. «۱»

---

(۱). همان.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۸۸

### نقد دیدگاه سُبکی ... ص: ۸۸

آن چه آوردیم نمونه‌هایی از تلاش‌های عالمان اهل سنّت برای حذف و بی‌اعتبار ساختن حدیث طیر بود. آنان تلاش کرده‌اند تا ثابت کنند که حاکم نیشابوری آن را در المستدرک علی الصحیحین روایت نکرده است. به طوری که خودشان به دلیل صحیح شمرده شدن این حدیث از سوی حاکم، دچار سردرگمی و آشفتگی شده‌اند.

آنان به این اندازه بسنده نکردند، اما از این تلاش‌ها نیز بهره‌ای نبردند. فقط همین مانده بود که به خانه حاکم نیشابوری حمله کنند، او را بزنند، منبرش را بشکنند و مانع خروج وی از خانه‌اش شوند.

آیا آنان از روز نخست چنین اقدامی را دنبال نکردند؟ و بهتر بود قبل از آن که در تحقیق و بررسی پیرامون روایات نقل شده در کتاب المستدرک علی الصحیحین بپردازند و به خود این همه زحمت را تحمیل نمایند تا ادّعا کنند که احتمال دارد برخی از مخالفان این حدیث را در المستدرک علی الصحیحین گنجانده‌اند؛ از همان روش آخر استفاده می‌کردند و چه نیکو روشی است- همان روش ضرب و شتم و توهین- که برای اثبات خلافت بزرگانشان استفاده کردند (!)

آنان با بسیاری از پیشوایان خود، غیر از حاکم نیشابوری نیز چنین رفتار کردند (!)

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۸۹

با نسائی در دمشق چه رفتاری داشتند؟

آیا شکم حافظ گنجی را- که فضایل حضرت علی علیه السلام را می‌گفت و مردم می‌نوشتند- درون مسجد نشکافتند؟

آنان با علمای شیعه و پیشوایان دوازده‌گانه شیعه چه رفتاری داشتند؟

و به همین روش بود که امامت و جانشینی برای ابوبکر، عمر و دیگر بزرگان آن‌ها ثابت شد.

وقتی این راهکار وجود دارد، دیگر نیازی نیست که در سند و دلالت روایات تردید ایجاد کنیم و به تحریف و تأویل آن‌ها بپردازیم؟

به چه انگیزه‌ای به ضرب و شتم ابن سقّا و حاکم نیشابوری پرداختند؟

چرا از امام و شیخ الاسلام خود- که می گوید: «حدیث طیر از احادیث جعلی و کذب است» - پیروی نمی کنند؟ «۱» او با این سخن، خود را از این همه زحمت و رنج راحت می کند.

این فتوای ابن تیمیه، آن فتوای ابن کثیر، آن هم رفتار و اعمالشان با پیشوایان خویش؛ هم‌چون حاکم نیشابوری و دیگر دانشمندان آن‌ها

---

(۱). منهاج السنهٔ النبویّه: ۷/ ۳۷۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۹۰

بود و آن هم تحریفاتشان برای الفاظ احادیث نبوی و خیانت‌هایشان به دنبال خیانتی که به رفیقشان، انس بن مالک کردند. و این روش آن‌ها در اثبات امامت بزرگانشان است که می‌خواهند با این روش‌ها امامت آن‌ها را اثبات کنند (!)

با این حال، بر هر انسان منصف، پژوهش گر و آزاد لازم است این سخنان را بشنود و از بهترین آن‌ها پیروی کند.

خداوند بر آن چه که می گوییم، گواه است و او چه خوب داوری است و حضرت محمّد صلی اللَّه علیه وآله خصیم (طرف مقابل) اوست.

درود خداوند بر محمد و خاندان پاکش باد.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۹۱

## کتابنامه ... ص: ۹۱


۴۸. قرآن کریم.

ب

۴۹. البدایهٔ والنهایه (تاریخ ابن کثیر): حافظ ابی فداء اسماعیل بن کثیر دمشقی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۰۸.

ت

۵۰. التاریخ الکبیر: محمد بن اسماعیل بخاری جُعفی، دار الفکر، بیروت، لبنان.

۵۱. تاریخ بغداد: خطیب بغدادی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷.

۵۲. تاریخ طبری (تاریخ الامم والملوک): ابوجعفر محمد بن جریر طبری، مؤسسه اعلمی، بیروت، لبنان.

۵۳. تاریخ مدینهٔ دمشق: حافظ ابوالقاسم علی بن حسن، معروف به ابن عساکر، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۲۱.

۵۴. تحفه اثنا عشریه: شاه عبدالعزیز دهلوی، نورانی، کتابخانه، پیشاور، پاکستان.

۵۵. تذکرهٔ الحفّاظ: شمس الدین ابی عبداللَّه محمد بن احمد ذهبی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.

۵۶. تذکرهٔ الموضوعات: محمّد طاهر بن علی هندی، مکتبهٔ القیّمه، چاپ یکم، سال ۱۳۴۳.

۵۷. تلخیص المستدرک علی الصحیحین: شمس الدین ابی عبداللَّه محمد بن احمد ذهبی، دار المعرفه، بیروت، لبنان.

۵۸. تهذیب التهذیب: احمد بن علی بن حجر عسقلانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۹۲

ج

۵۹. الجرح والتعدیل: ابن ابی حاتم رازی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۲۲.

۶۰. الجمع بین الصحاح السته: رزین بن معاویه عبدری اندلسی،

۶۱. الجمع بین الصحیحین: ابوعبداللَّه محمّد بن ابونصر حمیدی.

ح

۶۲. حدیث اقتداء به شیخین: آیت اللَّه سید علی حسینی میلانی، مرکز حقایق اسلامی، قم، چاپ یکم، سال ۱۳۸۷ ش.

۶۳. حلیهٔ الأولیاء: ابونعیم اصفهانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۸.

خ

۶۴. خصائص أمیر المؤمنین علی علیه السلام: عبدالرحمان احمد بن شعیب نَسائی، دار الثقلین، قم، چاپ یکم، سال ۱۴۱۹.

۶۵. الخصال: محمّد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه، معروف به شیخ صدوق، انتشارات جامعه مدرسین، قم.

ر

۶۶. الریاض النّضره: محبّ الدین طبری، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

س

۶۷. السنن الکبری: عبدالرحمان احمد بن شعیب نسائی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۱.

۶۸. سنن تِرمذی: محمّد بن عیسی بن سوره تِرمذی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۰۳.

۶۹. سیر اعلام النبلاء: شمس الدین ابی عبداللَّه محمد بن احمد ذهبی، مؤسسه الرساله، بیروت، لبنان، چاپ نهم، سال ۱۴۱۳.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۹۳

ش

۷۰. شرح صحیح مسلم: محی الدین یحیی بن شرف نَوَوی، دار الکتاب العربی، بیروت، لبنان.

۷۱. شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید معتزلی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.

۷۲. شفاء السقام فی زیارهٔ خیر الأنام: تقی الدین سُبکی، دائرهٔ المعارف عثمانیه، حیدرآباد، هند، چاپ سوم، سال ۱۴۱۳.

ص

۷۳. صحیح بُخاری: محمّد بن اسماعیل بُخاری جُعفی، دار ابن کثیر، دمشق، بیروت، یمامه، چاپ پنجم، سال ۱۴۱۴.

ط

۷۴. طبقات الشافعیهٔ: جمال الدین عبدالرحیم بن حسن بن علی شافعی اسنوی، دار العلوم، عربستان سعودی، ریاض، سال ۱۴۰۱.

۷۵. طبقات المحدّثین باصبهان: عبداللَّه بن محمد بن جعفر انصاری اصفهانی، معروف به ابوالشیخ اصفهانی، دار الکتب علمیّه، سال ۱۴۰۹.

ع

۷۶. علل الشرائع: محمّد بن بابویه معروف به شیخ صدوق رحمه اللَّه، انتشارات شریف رضی، قم، چاپ یکم، سال ۱۴۲۱.

۷۷. العلل المتناهیهٔ فی الأحادیث الواهیه: ابوالفرج ابن جوزی حنبلی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۰۳.

ف

۷۸. فضائل الامام علی علیه السلام: احمد بن حنبل شیبانی، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبائی رحمه اللَّه.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی‌به‌حدیث‌طیر، ص: ۹۴

ک

۷۹. الکاشف عن اسماء الرجال الکتب الستـه: شـمس الدین ابی عبداللّه محمّد بن احمد ذهبی، دار الفکر، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۸.

۸۰. الکامل فی ضعفاء الرجال: عبداللّه بن عدی جرجانی، دار الفکر، بیروت، لبنان چاپ سوم، سال ۱۴۰۹.

۸۱. الکامل فی التاریخ: عزّالدین ابوالحسن علی بن ابوالکرم شیبانی، معروف به ابن الأثیر، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۳۹۹.

۸۲. کفایـهٔ الطالب فی مناقب علی بن ابی‌طالب علیهما السـلام: محمّـد بن یوسف گنجی شافعی، مطبعه حیـدریه، نجف اشـرف، سال ۱۳۹۰.

ل

۸۳. لسان المیزان: احمد بن علی بن حجر عسقلانی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۶.

م

۸۴. مجمع الزوائد ومنبع الفوائد: حافظ نورالدین علی بن ابی بکر هیثمی، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۲.

۸۵. المختارهٔ: ضیاء الدین محمّد بن عبدالواحد مقدسی حنبلی.

۸۶. مختصر التحفهٔ الاثنا عشریهٔ: محمود شکری آلوسی، مکتبه ایشیق، استانبول، ترکیه، سال ۱۳۹۹.

۸۷. مرقاهٔ المفاتیح فی شرح مشکاهٔ المصابیح: ملّا علی قاری هروی، دار احیاء التراث عربی، بیروت، لبنان.

۸۸. المستدرک علی الصحیحین: ابوعبداللّه حاکم نیشابوری، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۱.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به‌حدیث‌طیر، ص: ۹۵

۸۹. مسند احمد بن حنبل: احمد بن حنبل شیبانی، دار احیاء التراث العربی و دار صادر، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۱۵.

۹۰. المعارف: ابومحمّد عبداللّه بن مسلم بن قُتَیْبَه دینوری، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۰۷.

۹۱. المعجم الاوسط: سلیمان بن احمد بن ایّوب لخمی طبرانی، دار الحرمین، سال ۱۴۱۵.

۹۲. المعجم الکبیر: سلیمان بن احمد بن ایّوب لخمی طبرانی، دار احیاء التراث، چاپ دوم، سال ۱۴۰۴.

۹۳. معرفهٔ الثقات: احمد بن عبداللّه بن صالح عجلی کوفی، مکتبه الدار، مدینه منوّره، سال ۱۴۰۵.

۹۴. معرفهٔ علوم الحدیث: ابوعبداللّه حاکم نیشابوری، دار الافاق الجدیده، بیروت، لبنان، چاپ چهارم، سال ۱۴۰۰.

۹۵. المناقب: ابوالمؤید موفق بن احمد مکّی حنفی خوارزمی، مؤسسه نشر اسلامی، قم، چاپ دوم، سال ۱۴۱۴.

۹۶. مناقب الامام علی علیه السلام: ابن مغازلی، دار الأضواء، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۲۱۴.

۹۷. منهاج السنّهٔ النبویّه: احمد بن عبدالحلیم ابن تیمیّه حرّانی حنبلی، مکتبه ابن تیمیه، قاهره، مصر، چاپ دوم، سال ۱۴۰۹.

۹۸. میزان الإعتـدال فی نقـد الرجال: شـمس الـدین ابی عبداللّه محمد بن احمد ذهبی، دار المعرفه و دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۳۸۲ ه.

ن

۹۹. نفحات الأزهار فی خلاصهٔ عبقات الأنوار: آیهٔ اللّه سید علی حسینی میلانی، قم، نشر الحقایق، چاپ دوم، سال ۱۴۲۶.

سلسله پژوهش های اعتقادی، نگاهی به‌حدیث‌طیر، ص: ۹۶

Doctrinal Researches Series)۰۳(.

inaliM inyasuH ilA diyyaS hallotayA "driB eht fo noitidarT eht "hguorht(mih no eb ecaep)ilA.

ninim'uM lureemA foetamamI eht evorp oT "driB eht fo noitidarT eht "ta kool A

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


مرکز تحقیقات رایانه‌ای




WWW